



توسعه‌روستایی

دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

شماره استاندارد بین‌المللی: ۸۹۸۱-۲۰۰۸

۳/۱۱/۱۱۴۴

امتیاز علمی پژوهشی: $\frac{۳/۱۱/۱۱۴۴}{۱۳۸۸/۷/۶}$ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مجله توسعه روستایی با کلید عنوان «Tusiah-i Rustayi» از سال ۲۰۱۰ در سایت Ulrich's، و از سال ۱۳۸۹ در پایگاه استنادی جهان اسلام (ISC) ایندکس می‌شود. www.Ulrichweb.com & www.ISC.gov.ir

سردبیر: دکتر مهدی طالب

مدیر مسئول: دکتر غلامرضا جمشیدیها

صاحب امتیاز: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

مدیر داخلی: حسن بخشی‌زاده

اعضای هیئت تحریریه: دکتر فرهنگ ارشاد (استاد دانشگاه شهید چمران اهواز)، دکتر مصطفی ازکیا (استاد دانشگاه تهران)، دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (دانشیار دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر حسین ایمانی جاجرمی (استادیار دانشگاه تهران)، دکتر فضیله خانی (دانشیار دانشگاه تهران)، دکتر غلامرضا غفاری (دانشیار دانشگاه تهران)، دکتر عزت‌الله سام‌آرام (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر عباس سعیدی (استاد دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر اسماعیل شهبازی (استاد دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر مهدی طالب (استاد دانشگاه تهران)، دکتر محمود متوسلی (استاد دانشگاه تهران)، دکتر منصور وثوقی (استاد دانشگاه تهران).

داوران این شماره: زنده‌یاد دکتر محمد عبدالمهدی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر اسماعیل شهبازی (استاد دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر پویا علاء‌الدینی (استادیار دانشگاه تهران)، دکتر سید احمد فیروزآبادی (استادیار دانشگاه تهران)، دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (دانشیار دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر غلامرضا غفاری (دانشیار دانشگاه تهران)، دکتر فرهنگ ارشاد (استاد دانشگاه شهید چمران)، دکتر محمود متوسلی (استاد دانشگاه تهران)، دکتر مصطفی ازکیا (استاد دانشگاه تهران)، دکتر منصور وثوقی (استاد دانشگاه تهران)، دکتر مهدی طالب (استاد دانشگاه تهران)، دکتر موسی عنبری (دانشیار دانشگاه تهران).

ترجمه چکیده‌ها: محسن حسین پور مقدم

ویراستار: زهرا فرضی‌زاده

صفحه‌آرایی: حسن بخشی‌زاده

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران

ناشر: دانشگاه تهران

بها: ۱۵,۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی: تهران، پل گیشا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، کدپستی: ۱۴۱۳۷، صندوق پستی: ۷۷۳-۱۴۳۹۵، نامبر: ۸۸۰۲۵۹۱۷ (۰۲۱)، تلفن: ۶۱۱۱۷۸۱۶ (۰۲۱)

Rural.Development1388@gmail.com
jrd@ut.ac.ir

پست الکترونیکی:

وب سایت: www.jrd.ut.ac.ir

راهنمای نگارش مقالات

الف) درباره مجله

مجله توسعه روستایی، مجله‌ای دانشگاهی است که تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای در حوزه توسعه روستایی را منتشر می‌کند. هدف از انتشار آن معرفی آخرین یافته‌های پژوهشی و نظری محققان و اندیشمندان در کشور است. توصیه می‌شود مقالات شامل بخش‌های عنوان، چکیده، مقدمه، مبانی و چارچوب نظری، روش‌شناسی، یافته‌های تحقیق، بحث و نتیجه‌گیری و منابع باشد.

ب) اصول کلی

- * در نگارش مقالات ضمن رعایت آیین نگارش فارسی، حتی‌المقدور از کلمات فارسی برای بیان مطالب استفاده شود.
- * پذیرش اولیه مقاله ضرورتاً منوط به رعایت راهنمای نگارش مقالات و پذیرش نهایی و چاپ منوط به تأیید هیأت تحریریه و داوران است. در صورت عدم رعایت هر یک از نکات مندرج در راهنمای نگارش، مقاله رد می‌شود همچنین مجله متعهد به پس دادن مقالات رسیده نیست.
- * مقاله باید روی کاغذ (A4) در محیط word 2003 و با حاشیه ۶ سانتیمتر از بالا و ۴ سانتیمتر از پایین، راست و چپ تایپ شود. متن فارسی با B Lotus 12، چکیده فارسی با B Lotus 10، زیر نویس با B Lotus 8 و منابع فارسی با B Lotus 11 همچنین کلیه متن انگلیسی داخل مقاله با فونت (لاتین Times New Roman 10) زیر نویس (لاتین Times New Roman 8) منابع انگلیسی با (لاتین Times New Roman 8) و چکیده انگلیسی با (لاتین Times New Roman 10) تنظیم گردند.
- * حجم مقالات بدون چکیده انگلیسی از ۲۰ صفحه (۶۵۰۰ کلمه) تجاوز نکند. اصل مقاله در ۳ نسخه همراه دیسک آن به دفتر مجله ارسال شود یا از طریق سیستم نشریات الکترونیکی دانشگاه تهران ارسال گردد.
- * مقالات نباید در مجله‌های دیگر چاپ یا برای چاپ ارسال شده باشد. لازم است کلیه نویسندگان مقالات، ضمن ارائه نامه درخواست چاپ مقاله، آن را امضاء نمایند. ضمناً یکی از نویسندگان به‌عنوان فرد پاسخگو به دفتر سردبیری مجله معرفی گردد.
- * پذیرش اولیه مقاله ضرورتاً منوط به رعایت راهنمای نگارش مقالات و پذیرش نهایی و چاپ منوط به تأیید هیأت تحریریه و داوران است. مجله متعهد به پس دادن مقالات رسیده نیست.
- * نام نویسنده یا نویسندگان و ضمناً رتبه علمی آنان، نشانی محل کار، تلفن و پست الکترونیکی (Email) نویسنده پاسخگو در صفحه جداگانه‌ای همراه مقاله بیان گردد.
- * چکیده مقالات (به فارسی و انگلیسی) باید حاوی ۱۵۰ تا ۲۵۰ کلمه بوده و شامل هدف مقاله، چارچوب نظری، روش کار و مهم‌ترین یافته‌های تحقیق است. در پایان چکیده، واژگان کلیدی مقاله بین ۵ تا ۸ واژه بیان می‌گردند.
- * ارجاع منابع و مآخذ در متن مقاله در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده داخل پرانتز به شکل زیر آورده شود:
 - منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد: صفحه)، مثال: (روحانی، ۱۳۷۶: ۳۷۱).
 - منابع لاتین: (صفحه: جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)، مثال: (Morgan, 1965: 17).
 - چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
- * در پایان مقاله (منابع)، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین به‌طور جداگانه به‌صورت زیر ارائه شود:
 - کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب (ایرانی). نام مترجم، محل انتشار: نام ناشر، شماره‌ی چاپ، جلد.
 - مقاله مجله (اگر صفحات هر شماره در ادامه شماره قبلی شروع شود): نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ). نام مقاله. نام مجله (ایرانی). شماره مجله، صفحه.
 - مقاله دائره‌المعارف: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ). نام مقاله، نام دائره‌المعارف (ایرانی). (جلد و صفحه) محل نشر: نام ناشر.
 - مقاله روزنامه: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ: روز، ماه، سال). عنوان مقاله. نام روزنامه (ایرانی). شماره‌ی صفحه.
 - مقاله وب سایت: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ). نام مقاله (ایرانی). بازیابی شده در تاریخ (تاریخ بازیابی به ترتیب روز، ماه، سال). نام ناشر سایت، آدرس سایت.
- * توجه: کلیه منابع مورد استفاده باید دارای صفحه باشند.
- * معادل انگلیسی اسامی خاص یا اصطلاحات در پایین هر صفحه آورده شود. توضیحات اضافی در انتهای مقاله در بخش یادداشت‌ها درج گردد. اگر ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها باشد، مثل متن مقاله، روش درون متنی خواهد بود.
- * شکل‌ها و تصویرها باید به گونه‌ای ترسیم یا تهیه شوند که برای تکثیر و نسخه‌برداری مناسب باشند. جدول‌ها به ترتیبی که در متن آمده‌اند شماره‌گذاری شوند و تاریخ تهیه و مآخذ آنها به‌طور دقیق در زیر آنها قید گردد.
- * کلیه منابع فارسی باید به زبان انگلیسی به همراه چکیده انگلیسی ارایه گردد.
- * هر گونه تشکر و قدردانی از افراد و سازمان‌هایی که در انجام مطالعه یا تهیه مقاله همکاری داشته‌اند، در پایان مقاله قبل از پی‌نوشت‌ها آورده شود.
- * مسئولیت محتویات و نظرات مندرج در مقالات با نویسندگان است.
- * دفتر مجله در ویرایش ادبی مقالات مختار است.

فهرست مطالب

-
- تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع ۱
مصطفی ازکیا و علی ایمانی.
- بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله ۲۹
مهدی طالب و عبدالمنان حقیقی مقدم.
- بررسی ارتباط دموکراسی و توسعه در چین ۵۱
محمود متوسلی، زهرا فرضی زاده میاندهی و علی نیکونسبتی.
- پیامدها و کارکردهای نذر در جامعه روستایی
(بررسی موردی روستاهای تابعه شهرستان فومن - استان گیلان) ۶۹
حمید پارسائیا و مهرداد توکلی راد.
- بررسی آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی
(مطالعه موردی قطب رشد صنعتی عسلویه) ۸۷
موسی عنبری و احمد ملاکی.
- بررسی و سنجش ویژگی‌های کارآفرینی دهیاران و تأثیر مهارت‌های فنی و حرفه‌ای بر آن ۱۰۷
حسین ایمانی جاجرمی و پیمان پوررجب میاندوآب.
- راهبردهای مقابله با مهاجرت‌های روستا- شهری با استفاده از فن سوات
(بررسی موردی دهستان کوهسار شهرستان هشتروند) ۱۲۹
سید مرتضی نوربخش و محمد اکبرپورسراسکانرود.
- بررسی رابطه بین عناصر خرده فرهنگ دهقانی و پایگاه (قشربندی) اقتصادی - اجتماعی
(بررسی موردی: بخش لاجان شرقی، شهرستان پیرانشهر) ۱۴۵
رشید احمد رش، حسین دانش‌مهر و شاهد شاکری.
- زندگی مطلوب روستایی با تأکید بر بهزیستی اجتماع روستایی ۱۶۷
ولی اله رستمعلی زاده و مسعود سلیمانی.
- امکان‌سنجی گردشگری روستایی و اثرات آن بر توسعه روستایی
(بررسی موردی منطقه کهمان در شهرستان سلسله) ۱۸۹
احسان حسنونند و اسماعیل حسنونند.

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از زمین با تأکید بر مراتع

مصطفی ازکیا *

علی ایمانی **

تاریخ دریافت: ۲۲ فروردین ۱۳۹۰

تاریخ پذیرش: ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰

چکیده

شیوه‌های تولید در هر جامعه‌ای، بنیان ساختار و سازمان اجتماعی آن جامعه را تشکیل می‌دهند. این موضوع آنقدر اهمیت یافته است که متفکرانی نظیر مارکس و طرفداران نظریه‌های مارکسیستی، عوامل اقتصادی، یعنی نیروهای تولید و روابط تولید را محرک تکامل تاریخی جوامع انسانی دانسته‌اند. در ایران نیز به ویژه تحت تأثیر نظریه‌های مارکسیسم، صورت‌بندی اجتماعی در دوره‌های مختلف تاریخی، سنخ‌شناسی شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. این صورت‌بندی‌ها، فنودالیسم، شیوه تولید آسیایی، شیوه تولید ملوک‌الطوایفی یا خان‌خانی و دهقانی، شیوه تولید سرمایه‌داری و آمیختگی شیوه‌های تولید را شامل می‌شوند. گروهی از پژوهشگران معتقدند که ایران، نظامی فنودالی داشته و اقتصاد سیاسی آن نیز باید در پرتو فنودالیسم و قوانین عمومی مربوط به توسعه فنودالیسم و نیز تناقض‌هایی مورد بررسی قرار گیرد که موجب پیدایش سرمایه‌داری از فنودالیسم می‌گردد. گروه دیگری از پژوهشگران که عمدتاً تحت تأثیر نظریه‌های مارکسیستی هستند، با تأکید بر دیدگاه مارکس درباره شیوه تولید آسیایی، تاریخ ایران را در قالب این مدل مورد ارزیابی قرار می‌دهند. پژوهشگران مذکور به نظریه ویتفولگ درباره شیوه تولید آسیایی در کتاب "استبداد شرقی" اعتقاد دارند که بر اساس آن، جوامع آسیایی سیر تکاملی خاصی را طی کرده‌اند و از این رو، با فنودالیسم اروپایی متفاوت هستند. لیکن این دیدگاه نیز همه جوامع آسیایی را بدون توجه به تنوع فرهنگی، اقلیمی و جغرافیایی آنها، یکسان در نظر می‌گیرد. با وجود این، برخی از پژوهشگران نیز از تفاوت‌های ساختاری میان غرب فنودالی و ایران ماقبل سرمایه‌داری آگاهی داشته‌اند. آنها وجود شهرهای بزرگ، اقتصاد پولی، سکونت ارباب‌های ایرانی و شاهان در شهر، فقدان اشرافیت موروثی و عدم تضاد شهر و روستا، فقدان نظام منوری و سرواژ، وجود نظام آبیاری متمرکز و تحت مدیریت دولت و سیطره دولت را بر ساختارهای اجتماعی، تفاوت‌های اصلی میان فنودالیسم غربی و شیوه‌های تولیدی در ایران بیان کرده‌اند. برخی از پژوهشگران نیز با تأکید بر صورت‌بندی‌های خاص جامعه ایران، آن را نظام ملوک‌الطوایفی یا خان‌خانی در نظر گرفته‌اند و برخی نیز بر امتزاج و آمیختگی شیوه‌های تولید در کشورهای جهان سوم، از جمله ایران تأکید کرده‌اند. نظام‌های بهره‌برداری از مراتع نیز که عمدتاً تابع نظام‌های زمین‌داری بوده‌اند، اساساً مربوط به دوره اصلاحات ارضی و حکومت شبه‌مدرنیستی پهلوی است که دچار دگرگونی‌های فراوانی شده است. این تغییرات در حوزه مدیریت مراتع و نیز در ساختار اجتماعی ایلات و عشایر مشاهده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نظام‌های بهره‌برداری، شیوه‌های تولید، مراتع، منابع طبیعی، ایلات و عشایر، صورت‌بندی اجتماعی.

* استاد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول) mostafa_azkia@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. imani.a2006@gmail.com

مقدمه

شیوه‌های تولید در هر جامعه‌ای، بنیان ساختار و سازمان اجتماعی آن جامعه را تشکیل می‌دهند. این موضوع، آنقدر اهمیت یافته است که متفکرانی نظیر مارکس و طرفداران نظریه‌های مارکسیستی، عوامل اقتصادی، یعنی نیروهای تولید و روابط تولید را محرک تکامل تاریخی جوامع انسانی دانسته‌اند. به اعتقاد مارکس و مارکسیست‌ها، جوامع انسانی از دوره‌های مختلف تاریخی گذر می‌کنند که در هر یک از این مراحل، تناقض‌های شیوه‌های تولید موجب پیدایش نظام‌های جدید تولید می‌شود. تضاد در عوامل تولید و روابط تولید، موجب حرکت به سمت جامعه‌ای جدید با شیوه تولید جدید می‌شود، به گونه‌ای که جوامع بشری، مرحله کمون اولیه تا سرمایه‌داری و سوسیالیسم را طی کرده است. در هر مرحله از سیر تاریخی این جوامع شیوه تولید، همان مناسبات و روابط تولید است که با مجموع عوامل تولید، زیربنای آن جامعه را تشکیل می‌دهد. نظریه‌پردازان دیگری مانند ماکس وبر و سایر منتقدان مارکس، این دیدگاه‌ها را مورد انتقاد قرار داده‌اند، لیکن آنچه اهمیت دارد، مجموع نقد و نظریه‌هایی است که درباره شیوه‌های تولید در جوامع مختلف مطرح شده است. در ایران نیز درباره این موضوع به ویژه تحت تأثیر نظریه‌های مارکسیسم، صورت‌بندی اجتماعی در دوره‌های مختلف تاریخی، سنخ‌شناسی، نقد و بررسی شده است. صورت‌بندی‌های مذکور، فئودالیسم، شیوه تولید آسیایی، شیوه تولید ملوک‌الطوایفی یا خان‌خانی و دهقانی، شیوه تولید سرمایه‌داری و شیوه‌های تولید آمیخته را شامل می‌شود. در مقاله حاضر، علاوه بر بررسی شیوه‌های مذکور، نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در ایران نیز به تبع شیوه‌های تولید زراعی بازشناسی می‌شود. پس از این بازشناسی، دیدگاه‌های جدید پژوهشگران معاصر مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است تا بتوان مدل نظری و تجربی مناسبی را برای تبیین مسائل نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در راستای بهره‌وری بهینه و حفاظت و مدیریت مطلوب تدوین کرد.

مسئله پژوهش

در حال حاضر، منابع طبیعی به ویژه مراتع و جنگل‌ها، در اکثر کشورها و نیز ایران، به دلایل خاصی در حال تخریب و نابودی است. تفکر و اندیشه درباره دلایل نابودی مراتع، می‌تواند ما را در تحقق توسعه پایدار، داشتن منابع غذایی مطمئن و منابع طبیعی غنی برای تداوم بهره‌وری و تأمین نیازهای نسل‌های آتی یاری کند. نظام‌های بهره‌برداری و شیوه‌های تولید، یکی از مهمترین عوامل مؤثر در تخریب منابع مرتعی و طبیعی هستند، زیرا ایران به عنوان یک کشور در حال گذار، دچار فروپاشی نظام‌های تولیدی سنتی بوده و نظام‌های مدرن نیز هنوز با فرهنگ و وضعیت بوم‌شناختی مناطق مختلف ایران، سازگاری لازم را نیافته است. از این رو، پژوهش

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

درباره شناسایی نظام‌های بهره‌برداری موفق، اولین گام در مدیریت علمی مراتع کشور است. با مطالعه در نظام‌های بهره‌برداری می‌توان یک مدل سیاست‌گذاری علمی و منطقی، برای بهره‌وری بهینه از مراتع تدوین کرد.

روش پژوهش

در مقاله حاضر، تلاش شده است با روش تحلیلی-اسنادی و مراجعه به آثار و نوشته‌های انتقادی در حوزه جامعه‌شناسی روستایی، توسعه روستایی و علوم مرتبط، رویکردهای نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در ایران، مورد تحلیل و ارزیابی انتقادی قرار گیرد و راه را برای انجام پژوهش‌های تجربی و پیمایش در یک بستر نظری هموارتر گردد. از آنجایی که در پژوهش حاضر، تحلیل نظری مسایل مورد توجه است، چارچوب روش‌شناختی آن نیز متفاوت از پژوهش‌هایی است که با شیوه میدانی و پیمایش انجام شده‌اند. به عبارتی، در پژوهش‌هایی که از چارچوب نظری و انتقادی در تحلیل مسایل برخوردار هستند، عمدتاً با شیوه هرمنوتیک از طریق بازخوانی اسناد و نظریه‌ها، تحلیل‌های انتقادی از لابه‌لای محتوا بیان می‌شوند، البته همان‌طور که بیان شد، در این پژوهش، از انواع روش‌ها در بررسی مسایل مرتع و نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در ایران استفاده شده است که در اینجا فقط بخش نظری بیان شده است.

فئودالیسم و چالش نظام بهره‌برداری

دستاورد بنیادین روش مارکسیستی تحلیل تاریخی، مفهوم نظام‌های اجتماعی است. از این نظر، نظام اجتماعی شکلی از جامعه است که همه یا بخش قابل ملاحظه‌ای از اجتماعات بشری از آن گذشته‌اند، می‌گذرند یا خواهند گذشت. هر یک از نظام‌های اجتماعی، "قوانین حرکت" یا اشکال و سازوکارهای تحول و تکامل خاص خود را دارند. از این منظر، نظام فئودالی نیز به مثابه یک نظام اجتماعی، حدود چهارده قرن در کشورهای اروپایی ادامه حیات داده است (استفان‌دون، ۱۳۶۸؛ کاتوزیان، ۱۳۷۲). به طور کلی، می‌توان گفت که هر یک از نظام‌ها، بقایایی از نظام‌های پیشین و جوانه‌هایی نارس از نظام‌های آینده را شامل می‌شوند (توکویل، ۱۳۶۹). هر یک از نظام‌های اجتماعی، دو دسته پدیده اصلی را شامل می‌شوند که عبارت‌اند از "زیربنا" شامل همه ابزار و روش‌های مادی، فکر و سازمانی که مردم با آنها، از محیط خود بهره‌برداری می‌کنند و به تأمین معاش خود می‌پردازند و "روبننا" شامل مناسبات سیاسی، قضایی، فلسفی، پندارهای مذهبی، روش‌های هنری و نظایر است آن که در مرحله معینی از تکامل اجتماعی غالب هستند (استفان‌دون، ۱۳۸۶: ۱۵). از دیدگاه مارکسیستی، نظام فئودالی نیز نظامی اجتماعی است که زیربنا و روبنای خاص خود را دارد و از یک صورت‌بندی اجتماعی خاص برخوردار است که آن را از سایر نظام‌ها متمایز می‌کند. در نظریه مارکسیستی، فئودالیسم یک شیوه تولید است

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

که نظام اجتماعی خاصی را پدید آورده است. از این دیدگاه، فئودالیسم ممکن است با ساختار نامتمرکز قدرت و الگوی خاص زمین‌داری مشخص شود، از سلسله مراتب خاصی برخوردار است و به مثابه یک کل، اجزایی دارد که هر یک به منظور تکمیل نظام حرکت می‌کند (ادگار^۱، ۲۰۰۸: ۱۲۶). در دایره‌المعارف پنج‌جلدی جامعه‌شناسی نیز در ذیل عنوان فئودالیسم، در یک مقایسه تطبیقی، بیان شده است که در نظام فئودالی، اصل بنیانی اقتصاد است که مبتنی بر زمین و نیروی کار اجباری است. اقشار و طبقات اصلی نیز نجبا و اشراف یا همان لردها، روحانیون و عموم مردم را شامل می‌شود، نابرابری در آن بسیار زیاد است و نظامی بسیار انعطاف‌ناپذیر و سلسله‌مراتبی است، ایدئولوژی توجیه‌گر آن نیز سنت و نظام کلیسای رومی است. در اروپای میانه، فیود (Feud) یا فیو (Feu) ملک یا قطعه زمینی بود که پادشاه در ازای عرضه خدمات خاصی نظیر خدمات نظامی به افراد اعطا می‌کرد (بروس و بیرلی^۲، ۲۰۰۶: ۱۰۸). این موضوع، ارتباطی را بین پادشاه و نجبا و اشراف به وجود می‌آورد که مبنای یک نظام اجتماعی شکل می‌داد که با قدرت و تولید در ارتباط بود. یک فئودال یا لرد به دلیل سوگند وفاداری با واسال (Vasal) با هم پیوند می‌خوردند. ارتباط بین لرد و واسال در سلسله‌مراتب آریستوکراتیک تنظیم می‌شود و واسال در ازای عرضه خدمات نظامی، با لرد در نظام تولید پیوند می‌خورد. سرف‌ها (Serf) نیز به عنوان پایین‌ترین اقشار اجتماعی، بسیار به کار اجباری خویش در زمینی وابسته بودند که مالک آن یک لرد است. سرف یا دهقان، ابزار تولید را بدون هیچ سند حقوقی در دست می‌گیرد و همین موضوع موجب استثمار وی می‌شود (ادگار و سد، ۲۰۰۸: ۱۲۶). از این دیدگاه، فئودالیسم علاوه بر یک نظام تولید اقتصادی، یک نظام قشربندی نیز است که در رأس آن، پادشاه یا سلطان قرار گرفته و پس از وی نیز لردها و روحانیون کلیسا قرار دارند که توجیه‌گر ایدئولوژیک این نظام محسوب می‌شوند. واسال‌ها نیز به عنوان افراد نظامی، کمی پایین‌تر از لردها جای می‌گیرند و در نهایت سرف‌ها و رعایا در پایین‌ترین ناحیه این نظام قشربندی هستند (استفان‌دون، ۱۳۶۸: ۱۷).

به طور کلی، ویژگی‌های این شیوه تولید عبارت است از:

- وابستگی روستاییان به زمین و ممنوع بودن انتقال آنها از زمینی به زمین دیگر؛
- تابعیت روستاییان از قدرت اداری، قضایی و انتظامی اربابان و مأموران دولت؛
- حقوق محدود روستاییان در ساخت اجتماعی (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲۶).
- همان‌طور که گفته شد، فئودالیسم اروپا بر پایه فروپاشی و تجزیه امپراتوری روم ایجاد شد که با نابودی نظام برده‌داری همراه بود.

1 Edgar
2 Bruce & Yearley

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

بدین ترتیب، ویژگی‌های نظام فئودالی در غرب با سایر نظام‌های تولیدی در شرق به‌ویژه ایران، تفاوت‌های بارزی دارد. در دوره‌های خاصی، روشنفکران ایرانی برای تبیین نظام‌های تولید در ایران، بر اساس سنخ‌شناسی‌های غربی از فئودالیسم تا سرمایه‌داری تلاش می‌کردند، لیکن با پژوهش‌های بعدی در تاریخ ایران این موضوع روشن شد که شیوه تولید در ایران قبل از مشروطیت، ویژگی‌هایی دارد که با نظام فئودالی غرب متفاوت است، حتی برخی از پژوهشگران دوره‌هایی از تاریخ ایران را به ویژه در دوره صفویه و بخشی از دوره قاجار را تحت تأثیر این سنخ‌شناسی‌ها، دوره ظهور و رواج شیوه تولید فئودالی در ایران می‌پنداشتند، اما یافته‌های پژوهش‌های انجام شده، تفاوت‌های بارزی را بین آنها نشان می‌دهد. آثار افرادی مانند احمدآشفرف (۱۳۴۷)، کاتوزیان (۱۳۷۲) و ثوقی (۱۳۷۷) و ازکیا (۱۳۸۲) از این جمله پژوهش‌های مذکور هستند.

در ایران واگذاری زمین، به صورت اقطاع یا تیول، همیشه تعهدی نظامی - همان طور که در غرب معمول بوده است - برای مالکان ایجاد نمی‌کرد، زیرا دولت مرکزی به اندازه کافی قوی و ثروتمند بود. در حالی که در غرب بین فئودال و حکومت، رابطه نظام موجود بود و سلسله مراتبی نیز وجود داشت که فئودال بر اساس آن، زمین‌های خویش را به واسال‌های خود واگذار می‌کرد و این واسال‌ها نیز خود با واسال‌های دیگر در ارتباط بودند تا اینکه این هرم در انتها به سرف‌ها ختم می‌شد.

به اجمال می‌توان گفت که در نظام فئودالی، عامل اساسی تولید، زمین است و اقتصاد اساساً مبتنی بر کشاورزی است، لیکن در ایران آب از اهمیتی یکسان با زمین برخوردار بوده و در مواردی نیز اهمیت آن بیشتر از زمین بوده است، به طوری که زمین‌ها بر اساس دوری و نزدیکی به آب، تقسیم می‌شدند و نظام‌های پیچیده بهره‌برداری از آب نیز به وجود آمده بودند.

کارکنان کشاورزی در نظام فئودالی، حق سکونت و استفاده از زمین را دارند، ولی مالکیت در اختیار سلسله مراتب اشراف است که آنها نیز هیچ کدام به طور کامل از مالکیت زمین برخوردار نیستند. هر کدام از آنها بر اساس سلسله مراتب موجود، حق برداشت میزان معینی از محصول را دارند (نظام واسالی).

در این نظام یک رشته وابستگی‌های شخصی وجود دارد، به طوری که بخش وسیعی از کارکنان کشاورزی، از آزادی کامل شخصی برخوردار نیستند. این وضعیت، برده‌داری، یعنی مالکیت بر شخص نیست، بلکه سرواژ یا نظام وابستگی دهقان به زمین است.

نظام مالکیت نیز با نوعی نظام وظیفه و خدمت متقابل (به‌ویژه نظامی) نسبت به شخص مافوق، مرتبط است و رابطه بین دو قطب ارباب (فئودال و واسال) و سرف بر اساس بهره مالکانه است که مبتنی بر روابط تولیدی معین است (و ثوقی، ۱۳۷۷: ۱۷۰؛ بیرلی، ۲۰۰۶: ۱۰۸؛ ادگار، ۲۰۰۸: ۷۲۶).

شیوه تولید آسیایی

مارکس و انگلس پس از طرح سیر تکامل تاریخی جوامع از تمدن اولیه تا سوسیالیسم، در پژوهش‌های تاریخی خود انواع شیوه‌های تولید را در مناطق مختلف جهان مورد بررسی قرار دادند. داده‌های تاریخی و پژوهش‌های اصلی آنها مبتنی بر گذار در جوامع اروپایی بود، لیکن برای اولین بار در دهه ۱۸۵۰، مفهوم شیوه تولید آسیایی را مطرح کردند. مارکس و انگلس، جوامع مبتنی بر شیوه تولید آسیایی را نظام‌های اشتراکی کشاورزی تعریف کردند. ماهیت خودکفایی این جوامع اشتراکی و جدایی آنها از یکدیگر، ضرورتاً به تکامل نوعی دولت استبدادی منجر شد که کارکردهای آن، کنترل نیروهای طبیعی در بارزترین مثال آن، ابداع نظام‌های آبیاری و دفاع از منافع جامعه اشتراکی را شامل می‌شد (استفان‌دون، ۱۳۶۸: ۱۴۶). از دیدگاه مدافعان رویکرد، این شیوه تولید، عناصری را شامل می‌شود که با شیوه تولید فئودالی، متفاوت است. این عناصر عبارت‌اند از: (۱) فقدان مالیکت خصوصی - نه حق تصرف یا در اختیار داشتن - بر وسایل اصلی تولید. یعنی زمین و نظایر آن.

(۲) یکی بودن بهره مالکانه و مالیات‌ها، یا به عبارت دیگر، این واقعیت که بهره مالکانه به شکل مالیات است. تولید اضافی جوامع مذکور، از طریق مالیات‌های مختلف دولتی (که گاه تعداد آنها از پنجاه مورد نیز فراتر می‌رفت) جمع‌آوری می‌شد. بنابراین، در این جوامع و این شیوه تولید "رانت ارضی" بر مالیات منطبق می‌شد (هاشمی، ۱۳۵۵؛ سوادگر، ۲۵۳۶).

به عقیده ازکیا نیز شیوه تولید آسیایی در مقایسه با نظام فئودالی، شیوه‌ای از نظام بهره‌برداری از زمین است که بر اساس آبیاری مصنوعی و شیوه اداره آن و روابط اجتماعات شهری و روستایی شکل می‌گیرد (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲۷). سایر پژوهشگران عمدتاً موارد زیر را از ویژگی‌های خاص نظام تولید آسیایی می‌دانند: فقدان مالکیت خصوصی؛ تسلط دولت بر نظام آبیاری؛ خودکفایی روستاها؛ وحدت کشاورزی و پیشه‌وری؛ روش‌های بسیار ساده تولید و کشت (نعمانی، ۱۳۵۸؛ سوادگر، ۲۵۳۶؛ اشرف؛ وارگا، ۱۳۴۸). البته درباره هر یک از ویژگی‌های مذکور، بحث‌های بسیاری مطرح است. در این نظام، مالیکت فردی مقهور مالکیت جمعی است که در تسلط شخص فرمانروا و یاران وی است. این مسئله موجب شده است که برخی نیز قدرت دولت مرکزی را یکی از وجوه بارز این نوع شیوه تولید محسوب کنند (کاتوزیان، ۱۳۷۲؛ اشرف و وثوقی، ۱۳۷۷). فرمانروایی مطلق به نمایندگی اجتماع، مالک فرضی همه اراضی است و اداره امور آنها به وی تفویض می‌شود. این حقیقت در نوشته‌های نظام‌الملک به خوبی مشهود است: «مقطعان باید بدانند که آنها را بر دهقانان هیچ حقی نیست، مگر آنچه که به وسیله سلطان بر ایشان معین شده است. آنها هیچ گونه حق دیگری بر تن و مال و فرزندان رعایا ندارند. همه مقطعان که از مقررات عدول کنند، از اقطاع خود محروم خواهند شد. آنها به ویژه باید به این نکته

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

واقف باشند که زمین و دهقانان هر دو به سلطان تعلق دارند» (خواجه نظام‌الملک، به نقل از وثوقی، ۱۳۷۷: ۱۶۵).

در نظام آسیایی، دولت مازاد تولید را در اختیار خویش نگه می‌دارد و آن را میان متخصصان آبیاری و سایر اعضای دیوان‌سالاری ساکن در شهرها توزیع می‌کند و از این رو، شهرهای آسیایی کاملاً تابع قدرت مرکزی هستند. به عبارت دیگر، شهرها به عنوان مراکز مصرف و به ضرر نواحی روستایی گسترش می‌یابند، زیرا شهرها در عوض دریافت مازاد کشاورزی، کالایی را با روستا مبادله نمی‌کنند (نعمانی، ۱۳۵۸: ۴۲۷). کارل ویتفوجل^۱ با بیان مفهوم استبداد شرقی، ریشه آن را نظام آبیاری می‌داند (وثوقی، ۱۳۷۷). تاریخ تشکل‌های اجتماعی از قبیل بنه و نظام‌های تولید جمعی در مناطق مرکزی ایران، این مدعا را تأیید می‌کند. در این شرایط، فقط نظامی دولتی که به طور بوروکراتیک سازمان یافته باشد، می‌تواند آب را فراهم کند و ابزار فراهم‌کننده آب را نگهداری کند. دولت یک مؤسسه اجرایی است. دولت نظم را از طریق نظام آبیاری حفظ می‌کند. دولت می‌تواند از طریق ارتش بزرگ و منظم و شبکه اطلاعاتی بسیار سازمان‌یافته، اجتماعات مخالف را به اطاعت از خود وا دارد. ملاط ایدئولوژیکی نیز برای چنین نظامی گرایش به مذهبی بودن است. ویتفوجل جامعه‌های هیدرولیکی (آبی) را بر حسب تراکم جمعیت درجه‌بندی کرد و توانست مصر باستان، هزوپوتامیا، رم و بیزانس، امپراتوری عثمانی، هند و چین، اسپانیای مسلمان و نظایر آنها را در این مقوله قرار دهد (کرایب، ۱۳۸۲).

توجیه ایدئولوژیکی نظام تولید آبیاری را نیز اسناد تاریخی و شواهد موجود تأیید می‌کنند، به طوری که مذهبی‌ترین اقوام و سلاطین در نواحی مرکزی فلات ایران، به ویژه در نواحی کم آب، قبل از اسلام و چه بعد از آن مشاهده می‌شوند. در مناطق شمال ایران به دلیل باران فراوان و پرآب بودن مناطق، کمتر با چنین گرایش‌هایی مواجه هستیم. با وجود همه این توصیه‌ها، نمی‌توان از یک تیپ ایده‌آل، واقعیتی تام ساخته و آن را با دوره‌های تاریخی یا منطقه‌ای جغرافیایی انطباق داد. گرچه این شیوه تولید در مقایسه با نظام فئودالیسم در این نوع مناطق جغرافیایی در دوره‌های خاص تاریخی، نزدیکی بسیار زیادی به واقعیت تاریخی داشته است. به دلیل گستردگی و تنوع اقلیمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر نواحی آسیایی، نظام‌های مختلفی از تولید و بهره‌وری از زمین رواج یافته است که در برخی موارد، منحصر به فرد بوده و در مواردی نیز مشابهت‌های مبهم و سردرگم‌کننده‌ای با سایر نظام‌های بهره‌برداری از قبیل نظام فئودالی، نظام آسیایی و نظام ملوک‌الطوایفی داشته است.

شیوه تولید ملوک الطوائفی و دهقانی

بیش از آنکه تصور کلی فتودالیسم در ایران معاصر رواج یابد، ایرانیان با تصور ملوک الطوائفی و خان‌خانی که یکی از ویژگی‌های اساسی تاریخ ایران است، آشنایی داشتند و می‌دانستند که در تاریخ این جامعه، قدرت نیرومند مرکزی به رهبری شاهان قدرتمند، بر اجتماع تسلط داشته یا آنکه با ضعف قدرت مرکزی، ایلخانان یا ملوک الطوائف و ایلات عشایر در مناطق تحت نفوذ خود، حکومتی کم و بیش خودمختار داشته‌اند. اگر قدرت و اهمیت ایلات عشایر در طول تاریخ در نظر گرفته شود و به این حقیقت توجه شود که ایلات، همواره از مبانی اساسی قدرت سیاسی در ایران محسوب می‌شده‌اند، ملاحظه می‌گردد که جامعه ایرانی صرفاً به اجتماعات شهری و روستایی محدود نیست و همواره بعد سومی دارد که اجتماعات ایلی هستند (اشرف: ۱۳۴۷: ۱۶).

در علت‌یابی فعالیت مستمر بخش سیاسی اداری جامعه عشایری برای تسلط بر دولت و گسترش بیرونی و گاه درونی، باید تصاحب انرژی اقتصادی را در نظر گرفت که از ناحیه اقتصاد و اجتماع زراعی، در قالب مالکیت اقطاع و تیولات (و سایر اشکال مالکیتی) به دست می‌آمد (عباداللهی، ۱۳۸۵: ۱۳). در ایران علاوه بر تسلط ایلات بر جامعه شهری و روستایی، همواره کوچ‌نشینی و یکجانشینی در قرون متمادی در کنار یکدیگر وجود داشته و روابط خاصی را پدید آورده است. از این رو، دوام و بقای نظام ایلی در کل ساختار اجتماعی ایران، مسائلی را پدید آورده است که باید مورد توجه قرار گیرند. همان طور که جوامع ایلی و عشایری، برای بسط چراگاه و مرتع، به توسعه درونی و بیرونی می‌پرداختند و صورت‌بندی خاصی را در توزیع مازاد اقتصادی به دست آمده از تضادها و جنگ‌های داخلی و بیرونی داشته‌اند، آنها را در قالب اقطاع، تیول و نظایر آن در بین قبایل تقسیم می‌کردند. از این رو، تعمق دقیق در ساختار درونی این نوع نظام بهره‌برداری می‌تواند در دوره‌بندی تاریخی جامعه تأثیر مهمی داشته باشد.

در کنار این نوع ساختار تولید، در ایران به ویژه به ساختار دهقانی تولید نیز می‌توان توجه کرد که با توجه به تفاوت‌های آن با شیوه تولید فتودالی، یک پیوستار روابط را با سایر نظام‌های تولید به وجود آورده است. چایانف در کتاب "نظریه اقتصاد روستایی"، نوع خاصی از تولید کشاورزی یعنی بهره‌برداری دهقانی را مورد پذیرش و تأکید قرار می‌دهد. به اعتقاد وی، فرد روستایی خرده‌پایی که دارایی وی، صرفاً وسایل تولیدش است، روحیه سرمایه‌داری ندارد، زیرا هدف وی از تولید، کسب سود یا درآمد سالانه مضاعف نیست، بلکه هدف وی فقط این است که معاش خود و خانواده‌اش را تأمین کند. چایانف در نظریه‌ای که درباره نظام‌های بهره‌برداری از زمین بیان می‌کند، توجه خاصی به منحصر به فرد بودن هر یک از نظام‌های بهره‌برداری دارد. به اعتقاد وی، هر یک از نظام‌های بهره‌برداری سرمایه‌داری، خانوادگی، بهره‌برداری سهم‌بری، فتودالی و کمونیستی به طور طبیعی و عمیق، منحصر به فرد هستند و تلاش برای تدوین یک چارچوب نظری معتبر و عمومی بی‌معنی است، بلکه

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

بیان یک نظریه اقتصادی ویژه برای هر یک از نظام‌های اقتصادی مذکور مناسب‌تر است (چایانف، ۴۲، به نقل از ازکیا، ۱۳۸۲: ۳۱). همان‌طور که در ادامه نیز به تفصیل بیان خواهد شد، در تاریخ ایران، بهره‌برداری دهقانی و خان‌خانی در بهره‌برداری از مراتع و در بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی، از مهم‌ترین شیوه‌های بهره‌برداری بوده‌اند که ویژگی‌های خاص خود را داشتند و در مقایسه با نظام‌های تولید آسیایی و فئودالی، یک نوع قشربندی اجتماعی و سلسله مراتب خاص محلی و بومی را می‌توان در آن یافت که در نوع خود منحصر به فرد بوده و به لحاظ تأثیر در تکامل تاریخی نیز بیشتر نقش تقویتی و واسط داشته‌اند تا نقش مسلط و اصلی. در مقابل نظام تولید فئودالی، مستقیماً در ساخت قدرت سهم بوده و همین نقش نیز موجب بازتولید آن در طی قرن‌ها در کشورهای اروپایی شده است، ولی در ایران به همین دلیل می‌توان گفت که اجتماعات مختلف نقش‌ها و سهم‌های متفاوتی در ساختار قدرت داشته‌اند.

شیوه تولید سرمایه‌داری

در دیدگاه مارکس، جامعه سرمایه‌داری نوعی جامعه صنعتی است که ویژگی آن، مالکیت خصوصی "وسایل تولید" یعنی ماشین‌آلات، کارخانه‌ها، مواد خام و محصولات آماده است که کل مجموعه اقتصادی را تشکیل می‌دهند. مالکیت نیز در دست یک طبقه اجتماعی است - طبقه سرمایه‌دار یا بورژوازی - (کیوبستو، ۱۳۷۸: ۳۶). از این جهت، سرمایه‌داری نظام کسب و کار اقتصادی است که مبتنی بر مبادله بازاری است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۸۷). اهمیت سرمایه را نیز می‌توان در نیروهای مادی تولید تعریف کرد ولی مارکس عقیده دارد که نیروهای مادی، سرمایه را صرفاً در نظامی به وجود می‌آورند که به وسیله یک طبقه مشخص می‌شود و بر سایر طبقات اعمال می‌گردد. نیروهای مادی تولید، وسایل تولید هستند، مانند فناوری ماشین، منابع انرژی، مواد خام، زمین، مهارت‌ها و داشتن روابط تولید که روابط اجتماعی را شامل می‌شود، نظیر الگوهای تاریخی مالکیت (تمدن اولیه، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم) کنترل و سازماندهی نیروهای مادی. در برده‌داری باستان، طبقه حاکم، همه ابزارهای مادی انسانی و غیرانسانی تولید و نیروهای تولید را اداره می‌کرد. در فئودالیسم نیز طبقه حاکم زمیندار، سرف‌ها را اداره می‌کرد. ولی با این تفاوت که سرف‌ها پس از پایان کشت و تولید محصول و بیگاری‌های اجباری به لردها، آزادی عمل داشتند. در نظام سرمایه‌داری، کارگران به لحاظ حقوقی آزاد هستند. ولی به وسیله طبقه سرمایه‌دار، صاحبان و مالکان ابزار تولید اداره می‌شوند و به دور از استثمار نیستند. در این شیوه تولید، از زمانی که کارگر خارج از میزان دستمزد خویش، به تولید ارزش اضافی می‌پردازد، استثمار وی نیز شروع می‌شود (اسکات^۱، ۲۰۰۹؛ میلنتس^۲، ۲۰۰۷؛ سلدون^۱، ۲۰۰۴). سرمایه نیز در

1 Scott
2 Mielants

این نظام، معنای خاص خود را دارد. آدام اسمیت سرمایه را در نیروهای مادی تولید تعریف می‌کرد، ولی مارکس عقیده داشت که نیروهای مادی، سرمایه را صرفاً در نظامی می‌توانند به وجود آورند که به وسیله یک طبقه مشخص می‌شود و بر سایر طبقات اعمال می‌گردد. از این لحاظ، روابط تولید نیز بیانگر روابط مالکیت است که سازمان تولید را معین می‌کند و نظام مشخص روابط اجتماعی را پدید می‌آورد. به عقیده مارکس، اسمیت فقط بر عوامل مادی و فنی تولید تأکید کرده است. در حالی که روابط قدرت بین طبقات با در نظر گرفتن نیروی کار به ارزش اضافی تبدیل می‌شود (اسکات، ۲۰۰۹). از این رو، بقای طبقه حاکم در گرو بازاری کردن همه چیز است. نیروی کار انسان، بازاری و قابل مبادله می‌شود و در این نظام، همه چیز به پول قابل عرضه در بازار تبدیل می‌گردد. از این جهت، سرمایه‌داری یک نظام اقتصادی است که نماد آن بازار و پول است و سرمایه نیز به معنای هر دارایی و مالکیتی مانند پول، مستغلات و ماشین‌آلات است که می‌توان از آن برای تولید کالاهایی برای فروش یا سرمایه‌گذاری در بازار به منظور کسب سود استفاده کرد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۸۷).

آمیختگی شیوه‌های تولید

پژوهش‌های بعدی درباره شیوه تولید سرمایه‌داری و سایر شیوه‌های تاریخی تولید نشان داد که در کشورهای جهان سوم که گذار از جامعه سنتی به جامعه سرمایه‌داری با مسایل و تنگناهای متعددی توأم بوده است، نوعی همزیستی میان چندین شیوه تولید دیده می‌شود. به اعتقاد تایلور^۲، صورت‌بندی‌های اجتماعی^۳ جهان سوم بر اثر نفوذ سرمایه‌داری جهانی به آمیزه‌ای از شیوه‌های تولید سرمایه‌داری و غیرسرمایه‌داری تبدیل شده است.

نظام تولیدی غالب در آنها سرمایه‌داری است، اما در عین حال به دو دلیل، از رشد سریع روابط سرمایه‌داری (به ویژه سرمایه‌داری صنعتی) جلوگیری می‌شود: (۱) سرمایه خارجی که در گذشته در این جوامع وارد شده، سرمایه تجاری و صدور کالا بوده است، از این رو، موجب پیدایش و تحکیم یک طبقه تاجر یا مبادله‌گر شده است که به شدت به تجارت با بازارهای جهانی مرتبط است. (۲) وجود نظام‌های تولیدی غیرسرمایه‌داری و قدرت سیاسی طبقات زمین‌دار و غیره، مانع رشد روابط سرمایه‌داری در همه بخش‌های جامعه شده است (ازکیا، ۱۳۸۲: ۳۲).

به عقیده تایلور در آمریکای لاتین، تحول کشاورزی سرمایه‌داری که معمولاً با تفکیک نقش‌ها^۴ در جامعه دهقانی و ایجاد یک بازار داخلی برای صنایع ملی ایجاد می‌شود، بر اثر وجود نظام‌های بهره‌برداری بزرگ اربابی

1 Seldon
2 Tayloo
3 Social formation
4 Role Differentiation

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

و قدرت چگونگی انطباق آن با شیوه‌های تولید سرمایه‌داری و صنعتی خود، موجب انجام پژوهش‌های روستاشناسی متعددی گردیده است. نتیجه پژوهش‌های مذکور نشان داد که پدیده‌های اقتصادی در جهان سوم، نتیجه آمیختگی شیوه‌های متفاوت تولید است و ساخت این آمیختگی را اجزای شیوه تولید سرمایه‌داری برای بازتولید خود و شیوه تولید غیر سرمایه‌داری یا عناصری از آن تعیین می‌کند (لانگ^۱، ۱۹۷۷: ۸-۹۷ به نقل از ازکیا، ۱۳۸۲). به عقیده لانگ، بازتولید روابط اجتماعی تولید در یک نظام بهره‌برداری، به استمرار روابط اجتماعی تولید در شیوه‌های دیگری وابسته است که در کنار آن وجود دارند. وی با استناد به نظام بهره‌برداری بزرگ مالکی در پرو نتیجه می‌گیرد که بهره‌برداری خرده‌مالکی خانوادگی در کنار اجاره‌کاران و بزرگ‌مالکان و از طریق کار در واحدهای سرمایه‌داری وجود دارد، و معیشت خرد را فراهم می‌کند و در عین حال، ارباب و مالک را قادر می‌کند تا از نیروی اضافی بهره‌برداری کند. به همین ترتیب در اختیار قرار دادن قطعه زمینی به دهقان خرده‌پا، برای رفع نیازهای معیشتی و سایر مزایای طبیعی به وی، مالک را قادر می‌کند تا بتواند در دوره‌های کساد، خود را به لحاظ مالی حفظ کند و نظام اربابی دست‌نخورده باقی بماند. لانگ در پژوهش‌های بعدی نیز نشان داد که این نوع بهره‌برداری‌ها با شیوه‌های تولیدی دیگر نیز پیوندهای متعددی دارد. برای مثال، یک نظام بهره‌برداری خانوادگی سهم‌بری در درون این نظام وجود دارد که از طریق مبادله کارگر، میان خویشاوندان مرد و همسایگان فعالیت می‌کند (لانگ، ۱۹۷۷ به نقل از ازکیا، ۱۳۸۲).

از این جهت، تغییر در نظام تولید و بهره‌وری می‌تواند تحت تأثیر دگرگونی‌ها در ساختار اجتماعی جوامع باشد. ساختارهای کهن و سنتی، عمدتاً نظام‌های بهره‌برداری انعطاف‌ناپذیری دارند که از سازوکارهای خاص خود برخوردار هستند، از این رو، تغییر در ساختار تولیدی این جوامع اساساً منجر به تغییرات اساسی در سایر سطوح می‌شود که عمدتاً با نابسامانی نیز همراه است، در غیر این صورت تغییر می‌تواند با همزیستی سایر شیوه‌های تولید و انطباق تدریجی آنها با شیوه‌های جدید توأم باشد که در این صورت، می‌توان آمیختگی شیوه‌های تولید را به عنوان مدل تحلیل نظام بهره‌برداری پیش‌روی داشت.

شیوه‌های تولید و نظام‌های بهره‌برداری در ایران

در همه ممالک، مسئله زمین و نظام بهره‌برداری و مالکیت بر آن، پیچیده است، اما در ایران این مسئله از پیچیدگی خاص خود برخوردار است. وسعت خاک ایران، تنوع شرایط طبیعی، همزیستی جوامع روستایی با عشایری و در نهایت، حمله‌های مکرر اقوام خارجی، هر یک آثار زیادی بر مالکیت بر زمین و شیوه‌های تولید داشته‌اند که مجموع این آثار، نظام پیچیده و متنوعی از بهره‌برداری را به وجود آورده است. علاوه بر این، ظهور

1 Long

سرمایه‌داری و آثار ناشی از آن در نظام بازارهای بین‌المللی و تجارت خارجی نیز بر مدل بهره‌برداری تأثیر گذاشته است و در طول چند سال اخیر، پیامدهای فراوانی را در نظام‌های بهره‌برداری داشته است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۴).

نظام‌های بهره‌برداری در ایران در طول دوره‌های مختلف، سیر تکاملی متنوعی داشته‌اند، لیکن در طی دوره‌های مذکور که قبل از مشروطیت، از مشروطه تا اصلاحات ارضی و پس از آن را شامل می‌شود، از ویژگی‌های مشترکی نیز برخوردار بوده‌اند. اولین ویژگی نظام‌های مذکور در دوره‌های مختلف، تعدد و تنوع نظام‌ها بوده است، به طوری که اکنون نیز می‌توان تنوع نظام‌های تولیدی را در کشاورزی ایران در نظام‌های عشایری و مرتع‌داری مشاهده کرد. شاید این موضوع، ناشی از تنوع اقلیمی و فرهنگی در ایران باشد که در گوشه و کنار ایران، نظام‌های متنوع بهره‌برداری را به وجود آورده است. دومین ویژگی را می‌توان تداوم انواع نظام‌های بهره‌برداری، به ویژه تا قبل از اصلاحات ارضی دانست. سومین ویژگی مشترک نیز همزیستی آنان در یک زمان در کنار یکدیگر است که این موضوع نیز بیانگر ظرفیت اجتماعی و ملاحظات قومی و نژادی در ایران است. نظام‌های مختلف بهره‌برداری در کنار هم به دلایل کارکردی، به حیات خود ادامه می‌دادند (میرزاخانی، ۱۳۸۲). در ادامه با تأکید بر دوره‌های مختلف تاریخی، نظام‌های بهره‌برداری در ایران، انواع شیوه‌های تولید و نظام‌های بهره‌برداری مورد بحث قرار می‌گیرند تا بتوان پس از آن در قالب این نظام‌ها به پیوستاری از نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در ایران و مسائل آن پی برد.

شیوه‌های تولید و نظام‌های بهره‌برداری قبل از مشروطیت در ایران

همان‌طور که در بحث از شیوه تولید آسیایی و نظام ملوک‌الطوایفی درباره شیوه‌های تولید، تفاوت‌ها و اشتراک‌های نظام‌های مذکور مورد بحث قرار گرفتند، در ایران از بدو پیدایش شهرها می‌توان مالکیت اراضی و شیوه تولید را در رابطه با شهر مورد بررسی قرار داد و مالکیت زراعی را پدیده‌ای شهری دانست. یافته‌های پژوهش‌های انجام شده درباره مالکیت در جامعه روستایی ایران، بیانگر مالکیت دولت و تحت نظر قدرت مرکزی است (طالب، ۱۳۸۷: ۱۴۰). از این نظر اقتصاد سیاسی ایران، هرگز فئودالی نبوده است (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۴۵). دولت بخش مهمی از زمین‌های زراعی را در تملک داشت، نظام منوری وجود نداشت و مالکان یک طبقه شهری را تشکیل می‌دادند... سرواژ نیز وجود نداشت. جز در مورد پرداخت سهم محصول یا گاهی اجاره و مالیات به عوامل گوناگون استعمار، هیچ نوع نظام سنتی حقوق و تعهدات دهقانی وجود نداشت، شهر و شهرستان‌ها نسبتاً وسیع و متعدد بودند و مالکان یا تیول‌داران و اقطاع‌داران یا صاحبان حقوقی اراضی در شهرها زندگی می‌کردند یا بخشی از سال را در شهرها بسر می‌برند و پایگاهی در شهر داشتند (طالب، ۱۳۸۷). فئودال‌ها

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

در قرون وسطی در اروپا در قلعه‌ها و قصرهای شخصی خود در اراضی خارج از شهر زندگی می‌کردند و در ارتباط نزدیک و مستقیم با رعایای خویش بودند، اما در ایران مالکان عمدتاً از طریق مباشران خود به امور زراعی رسیدگی می‌کردند و اغلب طول سال را در شهرها زندگی می‌کردند و در اقتصاد سیاسی شهری، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. از این رو، تضاد شهر و روستا یا به عبارت دیگر، شیوه تولید شهری-بورژوازی و شیوه تولید روستایی-فئودالی که در اروپا به طور آشکار وجود داشت، در ایران مشاهده نشده است. بهره‌برداری از اراضی زراعی نیز در ایران همواره به صورت تجمع بهره‌برداران یا زارعان در واحدی به عنوان روستا یا آبادی بوده است. موضوع کمبود آب و نظم آبیاری، دفاع از زارعان در مقابل مهاجمان و تشکل افراد به منظور برقراری روابط اجتماعی به منظور دفاع از منافع خویش، از نکات عمده در شکل تجمع بهره‌برداران زراعی است (طالب، ۱۳۸۷: ۱۳۱). تیول‌داری از ویژگی‌های نظام زمین‌داری و شیوه تولید در ایران قبل از دوران مشروطیت است و رویه‌های معمول برای این کار "اقطاع" بوده است. اقطاع یا قطعه و قطیعه، ملک یا زمینی بود که از جانب خلیفه یا سلطان یا شاه به یکی از امراء، سران لشکری و دیوانی به منظور بهره‌برداری از عواید یا مالکیت ارضی آن به شرط زراعت واگذار می‌شد. واژه اقطاع در وهله اول، همین واگذاری بود، اما بعدها به طور مجازی به ملک و زمین واگذار شده اطلاق گردید. اقطاع در ابتدا ترتیبی اداری و حقوقی برای توزیع محصول اضافی (بهره مالکانه) در میان سلسله مراتب اربابی بود، ولی در روند تکاملی خود به شکل مشخص زمین‌داری قرون وسطایی در شرق تبدیل شد. بر اساس این نظام، مناسبات اقتصادی، سیاسی و نظامی فرمانروای مستبد و مطلق با مقطع یا همان ملوک، کلام و ارباب تنظیم می‌گردید (سوادگر، ۲۵۳۶: ۱۰۲). در کتب فقه اسلامی اقطاع در سه مورد به کار رفته است، "اقطاع الارفاق" به عنوان واگذاری حق خاص استخراج معدن به کسی، "اقطاع التملیک" به عنوان واگذاری زمین برای کشاورزی و "اقطاع الاستغلال" به عنوان واگذاری خراج یک ملک به فرد به ازای حقوق وی یا عطیه دیوانی به وی. در ایران عنوان اقطاع از دوره مغول و ایلخانیان به تدریج به "سیورغال" تبدیل شد و در ادوار بعدی در دوره‌های صفویه و قاجاریه "تیول" نامیده شد. "سیورغال" نیز کلمه‌ای مغولی به معنی هدیه بود. این اصطلاح برای نشان دادن مقدار زمین معینی به کار می‌رفت که خان به تابعان خود هدیه می‌کرد تا از آن بهره گیرند. تیول نیز در لغت ترکی، تفویض یا تخصیص چیزی به کسی است. تیول در اصطلاح فنی، عنوان ملکی است که از جانب دولت واگذار می‌شود و سه نوع بوده است: "دایم" که وابسته به شغل و منصب فرد بود، "مادام‌العمر" در دوران حیات شخص و "همه‌ساله" یا موقت. رسم تیول‌داری در سال ۱۳۲۵ هجری قمری با تصویب مجلس شورای ملی ملغی اعلام گردید (لمبتون، ۱۳۶۲: ۱۱۱).

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

به عقیده ازکیا (۱۳۷۴) مطابق اسناد و مدارک موجود، انواع سهم مالکیت ارضی را تا قبل از اصلاحات ارضی می‌توان در شش الگوی مالکیتی خلاصه کرد که هر یک بخشی از زمین‌های زراعی را با توجه به نظام تولید در ایران در اختیار داشتند (ازکیا، ۱۳۷۴: ۸۶).

۱- املاک خالصه و دولتی، دهات و اراضی دولت بود و حدود ۳/۵ درصد از کل اراضی مورد بهره‌برداری و کل دهات ایران را شامل می‌شد. وضع مالکیت این نوع اراضی با تغییرات مختصری، تا سال ۱۳۴۱ باقی می‌ماند.

۲- املاک سلطنتی: شامل دهات و اراضی بود که خاندان پهلوی در اختیار داشت. بیشتر آنها در کناره‌های دریای خزر واقع شده بود و حدود ۵۰ هزار خانوار روستایی را شامل می‌شد.

۳- املاک موقوفه: این دسته از املاک معمولاً برای مقاصد مذهبی اعطا می‌گردید و در مواقعی نیز مالکان برای جلوگیری از تعرض سلاطین و درباریان، دارایی‌های خود را وقف می‌کردند. وقف عام در مالکیت مراکز و مؤسسات مذهبی قرار می‌گرفت و وقف خاص که در اختیار یکی از اعضای خانواده واقف قرار می‌گرفت و در طول نسل‌ها بهره‌برداری می‌شد.

۴- عمده‌مالکی و نظام اربابی: املاکی که بین یک تا چند ده متغیر بود، و در اختیار مالکان عمده قرار داشت. قبل از اصلاحات ارضی، مالکیت ارضی، منبع اصلی قدرت سیاسی ایران محسوب می‌شد. حدوداً ۳۴/۵ درصد از کل دهات ایران، زیر سلطه مالکیت اربابی بود و به شیوه ارباب رعیتی اداره می‌شد.

۵- خرده‌مالکی: چند مالک به اداره ده می‌پرداختند. در این نوع از مالکیت، محصول تولید شده پس از پرداخت مالیات به خرده‌مالک تعلق می‌گرفت. به اعتقاد لمبتون در ناحیه اردستان، ناحیه کوه کرکس، مورچه‌خورت، میمه، بعضی از دهات اطراف یزد و اردکان و نیز اطراف اصفهان و در برخی از دهات آذربایجان و خراسان، خرده‌مالکی وجود داشته است (لمبتون، ۱۳۴۵، به نقل از ازکیا، ۱۳۷۴).

۶- مالکیت قبیله‌ای: این نوع از مالکیت در میان عشایر دیده می‌شد، به لحاظ اداری اراضی در اختیار رئیس قبیله طایفه یا ایل بود. اما اعضای قبیله حق استفاده از اراضی را داشتند. چنین الگوی مالکیتی در همه مناطق ایران مشاهد می‌شود (ازکیا، ۱۳۷۴: ۸۹).

با این توصیف می‌توان دریافت که شیوه تولید و نظام بهره‌برداری در ایران، قبل از اصلاحات ارضی و مشروطیت از ویژگی‌های خاص خود برخوردار بوده است که در مدل شیوه تولید آسیایی و شیوه تولید فئودالی نمی‌گنجد، بلکه با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی ایران، وسعت خاک، کمبود آب در بسیاری از مناطق ایران، تنوع قومی و فرهنگی و نیز ساختار ایلی و عشیره‌ای نظام سلطه و قدرت در ایران، نظام‌های بهره‌برداری تحت تأثیر این عوامل بوده و در هر منطقه با توجه به غلبه هر یک از عوامل، ساختار خاص خود را داشته است، به گونه‌ای که نظام مدیریتی در برخی مناطق، در قالب بنه و بنبندی و در برخی مناطق در قالب ساختار تولید فردی و خصوصی دیده می‌شود.

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

شیوه‌های تولید و نظام‌های بهره‌برداری از مشروطیت تا اصلاحات ارضی

در تاریخ ایران، دوران مشروطیت تا اصلاحات ارضی، را دوره پرتلاطمی ارزیابی می‌کنند. صورت‌بندی اجتماعی و ساختار طبقاتی در این دوران، به شدت در حال تغییر و دگرگونی بوده است. با شکل‌گیری مشروطیت در ایران، وضع مالکیت زراعی متفاوت بود. بر خلاف اروپا که زمین‌داران و فئودال‌ها در اثر انقلاب بورژوازی از بین رفتند، در انقلاب مشروطیت هر چند که نظام تیولداری لغو شد، ولی وضعیت مالکیت به دلیل نفوذ اربابان و زمین‌داران در مجلس و انقلاب، تثبیت شد. می‌توان گفت که در دوره پس از انقلاب مشروطیت، به دلیل عدم رشد سیاسی دهقانان و تأثیر اندک آنان در انقلاب مشروطیت تغییرات زیادی در شرایط اجتماعی آنان پدید نیامد (تقوی، ۱۳۸۱: ۱۵۶). از این رو، شش نوع نظام بهره‌برداری که قبلاً مورد بررسی قرار گرفت، با لغو امتیاز تیول‌داری و تحکیم قدرت ارباب رعیتی به حیات خود ادامه دادند. تا اینکه از دهه‌های ۱۳۰۰ شمسی تا ۱۳۳۵، شرایط اجتماعی و تاریخی ایران به ایجاد اصلاحات ارضی در ایران انجامید و نظام بهره‌برداری و شیوه تولید زراعی را در ایران تغییر داد و نظام سنتی را یکباره از بین برد.

شیوه‌های تولید و نظام‌های بهره‌برداری پس از اصلاحات ارضی

دهه ۱۳۴۰ در ایران و اصلاحات ارضی، یکی از مهم‌ترین دوره‌های دگرگونی و تحول در زندگی جامعه روستایی است. تغییرات در ساختار نظام ارباب رعیتی و نظام ملوک‌الطوایفی، زمینه را برای دگرگونی اجتماعی ایران فراهم کرد. در روستاهای ایران، روند تغییرات اجتماعی بسیار کند و بطئی بوده که گاه آن را در حد ثبات و سکون نشان داده است. اما از دهه مذکور، آهنگ این تغییرات به وضوح از سرعت و شتاب فراوانی برخوردار شد و این تغییر بیرونی و برانگیخته، سبب ایجاد تحولات عظیمی در جامعه ایران شد که پیامدهای آن را می‌توان تا انقلاب اسلامی جستجو کرد (طالب، ۱۳۸۷: ۲۱۰).

اصلاحات ارضی در ایران با اهداف مختلفی نظیر اهداف اقتصادی، اهداف سیاسی، اهداف اجتماعی و روانی (طالب، ۱۳۸۷: ۲۲۶؛ ازکیا، ۱۳۷۴: ۱۰۹) در سه مرحله انجام شد. هدف مرحله اول، تقسیم اراضی بزرگ‌مالکان غایب از ده و محدود کردن مالکیت به یک ده بود. بر اساس این قانون، مالکیت زمین به طور دسته‌جمعی به زارعان به نسبت میزان نسق آنها واگذار گردید. در مرحله دوم، هدف حذف نظام سهم‌بری بدون تغییر در نظام زمین‌داری بود. اجرای این مرحله تا بهمن ماه ۱۳۴۴ به تعویق افتاد، اما پس از اینکه لایحه آن به تصویب مجلس رسید، اجرا گردید. در نهایت، با رشد نارضایتی در میان رعایا در سال‌های ۴۷-۴۹، دولت مرحله دیگر اصلاحات ارضی را اجرا کرد و تلاش شد که مناسبات ارباب رعیتی از بین رود. از این رو، بر اساس قوانین الحاقی، دو راه‌حل به مالکان پیشنهاد گردید، به طوری که زمین زراعی باید میان مالکان و

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

اجاره‌داران به نسبت بهره مالکانه متداول تقسیم می‌گردید یا اینکه به رعایا فروخته می‌شد (ازکیا، ۱۳۷۴: ۱۱۶-۱۱۰). اصلاحات ارضی، نظام زمین‌داری، شیوه تولید و بهره‌برداری در ایران را که در سالیان طولانی با روش‌های مختلف در قالب بهره‌برداری‌های مختلف انجام می‌شد، در هم ریخت و دهقانان صاحب نسق را به عنوان مالکان زمین‌های زراعی از نظام ارباب رعیتی جدا کرد و در فرایند جدید تولید، وارد کرد. همچنین ساختار اجتماعی و صورت‌بندی‌های حاکم بر جامعه روستایی را در ایران در هم ریخت و در قالب صورت‌بندی جدید، بسط و توسعه داد. به عقیده پژوهشگران روستایی (ازکیا، ۱۳۷۴؛ اشرف، ۱۳۸۷؛ طالب، ۱۳۸۷)، اصلاحات ارضی شیوه زندگی روستاییان را در اثر ارتباط با محیط‌های شهری تغییر داد، موجب تقطیع اراضی کشاورزی و از بین رفتن واحدهای جمعی کار زراعی شد، بورژوازی روستایی را تقویت کرد و بهره‌برداری‌های خانوادگی را به‌عنوان خرده‌مالکان جدید مطرح کرد، به دهقانان در امور زراعی و زندگی آزادی عمل داد، نفوذ دولت در روستاها را گسترش داد و تعاونی‌های روستایی را به‌عنوان جانشین مالک در روستاها برای پرکردن خلاء ناشی از عدم حضور مالک در مدیریت روستا به وجود آورد.

نظام‌های بهره‌برداری و شیوه‌های تولید پس از انقلاب

بعد از انقلاب اسلامی، دولت با در نظر گرفتن کشاورزی به عنوان محور توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی، در زمینه عمران و تعیین مالکیت زمین تلاش کرد (وثوقی، ۱۳۷۷: ۳۲۹). در اوایل انقلاب، نظریه اسلامی مالکیت محدود و مشروع زمین بیان شد و پس از فراز و نشیب‌هایی، در فروردین ۱۳۵۹ در اصلاحیه قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی، در حکومت جمهوری اسلامی ایران رسماً تدوین و بیان گردید. چالش‌انگیزترین موضوع این دوره، تصویب بند ج شامل اراضی بایر است که سابقه احیاء دارد، ولی به دلیل اعراض و عدم بهره‌برداری، به مدت پنج سال متوالی بدون بهره‌برداری مانده است. از این جهت، تحولات بعد از انقلاب نیز پیامدهای خاص خود در دهه اول انقلاب داشته است. قدرت دستگاه دیوان‌سالاری و سرمایه‌داری دولتی و قدرت سیاسی کارگزاران اداری در روستاها تحکیم یافت و از طرف دیگر سرمایه‌داری بزرگ و حتی متوسط خصوصی دچار زوال گردید. اهمیت اجتماعی انبوه خرده‌مالکان و خرده‌سرمایه‌داران و کسبه و پیشه‌وران شهری و روستایی تداوم یافت و با افزایش اراضی بزرگ مصادره شده به اراضی دولتی، بخش دولتی به طور قابل ملاحظه‌ای در نظام تولید کشاورزی تقویت شد. با از بین رفتن بزرگ مالکان و تضعیف مالکان متوسط، موقعیت دهقانان مرفه در روستا تحکیم شد (اشرف، ۱۳۶۱: ۴۵) و به طور کلی، نظام کشاورزی دهقانی در روستاها تسلط یافت و کشاورزی ایران به طور مطلق به کشاورزی برای بازار و در عین حال با اراضی تقطیع شده و بسیار کوچک تبدیل گردید. قشربندی اجتماعی تازه‌ای نیز در روستاها ایجاد شد و قشرهای میانی

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

تقویت گردید و در نهایت با افزایش میزان تحصیلات در جامعه روستایی و گسترش بدبینی به اشتغال در بخش کشاورزی، مهاجرت به شهرها موج تازه‌ای به خود گرفت.

نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در ایران

در ایران عمدتاً سه صورت‌بندی اجتماعی را تا انقلاب مشروطیت و حتی اصلاحات ارضی می‌توان تشخیص داد که این سه شکل حیات اجتماعی، به شدت در هم تنیده‌اند. سه صورت‌بندی اجتماعی عبارت‌اند از ساختار ایلی و عشایری جامعه ایران، ساختار روستایی جامعه ایران و ساختار شهری. نظام بهره‌برداری از مراتع و منابع طبیعی (عمدتاً جنگل) در ایران، تابع شیوه‌های تولید و نظام‌های بهره‌برداری از زمین بوده است. برخی از پژوهشگران معتقدند که شیوه‌های تولید زراعی، تابع تحرکات ساختار ایلی جامعه ایران بوده‌اند و حتی جامعه عشایری و ایلی، در دوره‌هایی از تاریخ ایران، به عنوان ساختار مسلط عمل کرده‌اند (توسلی، ۱۳۷۲؛ عبداللهی، ۱۳۸۵)، لیکن به لحاظ نظام بهره‌برداری، مالکیت مراتع تابعی از نظام‌های تولید در تاریخ ایران بوده است که خود تحت تأثیر ساختار درونی دولت در نظام سیاسی ایران است. به لحاظ نظری دیدگاه‌های مختلفی درباره نظام‌های تولید و شیوه‌های بهره‌برداری در ایران مطرح شده است که شیوه تولید فئودالی، شیوه تولید آسیایی، سرمایه‌داری ارضی، نظام ملکوک‌الطوائفی و امتزاج و آمیختگی شیوه‌های تولید را شامل می‌شود که هر یک بطور مجزا مورد تحلیل قرار گرفت. نظام‌های بهره‌برداری از مراتع نیز در تاریخ ایران عمدتاً در قالب این دیدگاه‌ها مورد توجه قرار گرفته است، لیکن به لحاظ عملی، نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در ایران را می‌توان بر اساس تحولات حقوقی و اجتماعی صورت گرفته در راستای نحوه مدیریت، مالکیت و بهره‌برداری از مراتع مورد توجه قرار داد. از این منظر شیوه‌ها و نظام بهره‌برداری را می‌توان در سه دوره مجزا مورد بررسی قرار داد: ۱- نظام‌های بهره‌برداری از مراتع تا اصلاحات ارضی ۲- نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در دوران ملی شدن مراتع و جنگل‌ها و وضعیت نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در حال حاضر. با تقسیم‌بندی این سه دوره، می‌توان انواع نظام‌ها را در این دوران مورد سنخ‌شناسی و تجزیه و تحلیل قرار داد و ابعاد مختلف آنها را به لحاظ نظری بررسی کرد. البته با توجه به این موضوع که مراتع و جنگل‌ها به لحاظ بهره‌برداری، عمدتاً تحت تأثیر نظام‌های زراعی حاکم بر تولید کشاورزی در ایران بوده‌اند.

نظام‌های بهره‌برداری از مراتع تا اصلاحات ارضی

در میان همه ایلات و عشایر ایران، تا دهه ۱۳۴۰ به لحاظ بهره‌برداری از منابع طبیعی، دو طبقه متمایز وجود داشته است، افرادی که بر ابزارهای اصلی تولید، مراتع و زمین‌های کشاورزی (آبی و دیم) کنترل داشتند

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

و گروهی که فاقد کنترل بر ابزارهای مذکور بودند و فقط حق بهره‌برداری از این منابع را به مدت معین داشتند و در مقابل، سهمی از محصول در اختیارشان قرار می‌گرفت. گروه اول، خوانین و گروه دوم، رعایا نامیده می‌شدند. لمبتون ماهیت قدرت خوانین را این طور توضیح می‌دهد: قدرت خان‌ها از دو ناحیه سرچشمه می‌گیرد، اولاً از ایلات و عشایری که خوانین بر آنها سروری دارند، دوم از زمین‌هایی که مالک آنها هستند و مانند مالکان دیگر، سهم خود را بابت محصول ملک یا مال‌الاجاره و سایر بهره‌های مالکانه وصول می‌کنند و در عین حال به‌عنوان رئیس ایل و عشیره، از اتباع خود باج‌هایی نیز می‌گیرند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۴۹۷).

حتی اگر افراد ایل، به طور سنتی و عرفی حق استفاده از اراضی را دریافت می‌کردند، معمولاً این وضعیت، دائمی نبود. همان طور که لمبتون درباره ایل قشقایی توضیح داده است، بعضی از دسته‌ها و افراد قشقایی، بر اساس سنت، حق استفاده از چراگاه‌های خوانین را دارند. این حق به ثبت نرسیده است و مطلق نیست. گرچه این حق در پاره‌ای از موارد، مبتنی بر مدارکی است که تاریخ آن به حدود دویست سال پیش برمی‌گردد. رسم خان این است که هر سال، این مراتع را میان اتباع خود تقسیم کند. در واقع، معمولاً همان چراگاه‌هایی که سال گذشته به شخص خاصی داده شده، امسال نیز به همان فرد داده می‌شود، اما تشریفات تقسیم را هر سال رعایت می‌کنند تا افراد ایل در خصوص مراتع از حقوق بلامعارض برخوردار نشوند و اگر شخصی نافرمانی کرد، وی را از چراگاه برانند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۵۰۰). نظام بهره‌برداری از مراتع، در این دوران، تابعی از تحرکات ایلی و ساختار درونی جامعه عشایری است. با تحولات و دگرگونی در ساختار سیاسی ایل یا به عبارتی با افول و گسترش قدرت سیاسی ایل، مراتع تحت تصرف آنها نیز ممکن است کم یا زیاد شود، ولی با اندکی تعمق می‌توان دریافت که این ساختار در طی سال‌ها به لحاظ نوع و شیوه بهره‌برداری چندان تفاوت نکرده است. ایلات متعدد، به لحاظ سیاسی در حوزه قلمرو خود دچار تغییراتی می‌شوند، ولی ساختار بهره‌برداری، همان نظام خان‌خانی و ملوک‌الطوایفی در قالب رؤسای قبایل و خان‌های عشایر است. در این نظام، هر ایل و قبیله‌ای برای خود عرصه و مرتع مشخصی دارد که در سلسله مراتب عشایری به تقسیمات جزئی از ایل و طایفه گرفته تا "یورت" تقسیم‌بندی می‌شود، ولی نظام، مالکیتی و در قالب خان‌خانی و به تعبیری ارباب رعیتی است.

تا قبل از اصلاحات ارضی (۱۳۴۱) سازمان‌های اقتدار طایفه‌ای، مرکب از مسئولان رده‌های مختلف ایلی وجود داشت که در رأس هر ایل، "ایل‌خانی" بود که چگونگی مدیریت و سازماندهی بهره‌برداری از زمین، آب و مراتع را در بین عشایر بر عهده داشت (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹).

عمدتاً پس از حمله اعراب و ملحق شدن ایران به قلمرو جهان اسلام، قوانین اسلامی در رابطه با مالکیت و حق انتفاع از منابع طبیعی تولید، در سراسر ممالک اسلامی مطرح گردید. آئین اسلامی مالکیت با تفکر و آداب و رسوم محلی در می‌آمیخت، ولی بنیان مالکیت همان دیدگاه دین اسلام بود و آب و مرتع به طور مشترک به

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

همه مسلمین تعلق داشت (لمبتون، ۱۳۶۲: ۶۲). از این رو، مالکیت بر مرتع، نوعی مالکیت خالصه بوده است و مراتع به امام یا دولت اسلامی تعلق داشت (همانند اراضی مزروعی رها شده یا زمین‌های بدون مالک و مستأجر و سواحل دریاها و حواشی قلل کوه‌ها). امام می‌توانست آن را در اختیار خود بگیرد یا با روش دلخواه، به دیگری واگذار کند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۶۴) که در عین حال، عمدتاً به دولت اسلامی تعلق می‌گرفت. مطابق قوانین اسلامی، این اراضی غیر قابل تملک فردی بود و ملک مشترک همه مسلمانان تلقی می‌شد که حق انتفاع از آن به جماعت مستقر در آن واگذار شده بود. اما این اراضی به مرور زمان مغروز شده و اشخاص بانفوذ آنها را تصاحب کرده بودند. اوج این پدیده در دوران خلفای عباسی ملاحظه می‌شد که اغلب صاحب‌منصبان ذی نفوذ، املاک خالصه را که به "صوافی" مشهور بود، تصاحب می‌کردند. در این دوره، مراتع نیز به دو بخش عمده تقسیم می‌شد. یکی «قرق‌های حکومتی» که در آنها اغنام و احشام خلیفه و اسبان قشون چرا داده می‌شدند و دیگری مراتع مجاور یا حریم زمین‌های زراعی که در ازای استفاده از آن، مالیاتی به صورت خراج مرتع با عنوان "حق‌المراعی" دریافت می‌شد. در عین حال با استناد به تاریخ قم، می‌توان دریافت که افراد صاحب نفوذ، هر دو بخش مذکور را تصاحب می‌کردند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۶۷).

اسناد و کتب تاریخی نشان می‌دهند که تا قرن چهارم هجری، زمین‌های مزروعی، مشمول "خراج و عشر" بودند و در خصوص مراتع نیز خراجی به اسم "مراعی" وضع شده بود. رؤسای عشایر یک دهم، یک سوم و یک چهارم خراج می‌دادند و خراج صاحبان احشام و صحرائشینان نیز دو سیاهه معین می‌شد که سیاهه هر مرد، ۱۲ درهم در نظر گرفته می‌شد (تاریخ قم، ۱۱۳). در زمان سلجوقیان در دشت (استپ) هر قبیله چراگاه یا "یورت" مخصوص خود را داشت و رئیس قبیله به عنوان نماینده، در آن مکان حکمرانی می‌کرد و در صورتی که تعداد افراد قبیله فراوان بود، به هر طایفه چراگاه معینی اختصاص می‌داد و حکومت مرکزی در این دوره، مالیاتی از قرار خیمه‌ای فلان مبلغ بر ایلات می‌بست. در زمان سلجوقیان، اراضی وقفی خرده‌مالکی و اقطاع وجود داشته است. اقطاع شکل غالب تملک بر اراضی بوده است و بهره‌برداری از مراتع نیز تا حد زیادی تابع اقطاع بوده است.

در زمان مغول (به ویژه ایلخانان) املاک یورت، دیوانی، اینجو (خالصه)، اوقاف و ملکی را شامل می‌شد. بزرگان کماکان گله‌های نسبتاً فراوانی داشتند که هر سال، بیلاق و قشلاق می‌کردند. گله‌های شاهی به مأموران سپرده می‌شد که به "قنانچی" معروف بودند. بیگماری این گله‌داران، پیوسته مایه نگرانی مردم ده‌نشینی بود که در مجاورت چراگاه‌ها زندگی می‌کردند. مغولان در ازای استفاده از مرتع، از بهره‌برداران مالیاتی به نام "قبچور" می‌گرفتند. قبچور ظاهراً مالیات «مواشی» بوده است. در این مورد حداقل مالیاتی که می‌گرفتند، بابت ۱۰۰ رأس

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

گله بود و نرخ مالیات یک درصد بود. پرداخت این مالیات در زمان غازان خان، برای روستاییان در دو نوبت و برای عشایر در یک نوبت در نظر گرفته شده بود (لمبتون، ۱۳۶۲).

تیموریان نیز نظیر مغولان عمل کردند و به عشایر خود یورت واگذار می‌کردند. پس از آنها، قراقویونلوها و آق قویونلوها نیز که منشأ عشایری داشتند، هر سال از روستاییان و عشایر، بابت حق مرتع و علوفه مبالغی دریافت می‌کردند این مالیات در دوره "اوزون‌حسن"، همان قیچور یا مالیات مواشی نامیده می‌شد. حکومت‌هایی مانند صفویان، افشاریه و قاجاریه نیز در اداره ولایات و به ویژه در حکمرانی ولایات، همانند مغولان و تیموریان عمل می‌کردند. برای مثال، در بنیاد بقای صفویه، عشایری مانند شاملوها و عشایر آذربایجان تأثیر مهمی داشتند. ظاهراً در دوره صفویه، بخشی از مراتع در تصرف حکام (بیگلر بیگی‌ها) و برخی خالصه بوده است که در هر صورت، بهره‌بردار موظف به پرداخت حق "مراعی و مواشی" برای حکومت مرکزی بوده است. در دوره نادرشاه، خان‌ها اداره امور عشایر را بر عهده داشتند. برای مثال، نادرشاه علی صالح‌خان را به ریاست عشایر هفت لنگ (بختیاری) منصوب کرد. اراضی و مراتع خوزستان، لرستان، آذربایجان و سیستان و بلوچستان و خراسان در این دوره، خالصه بوده است و غالب این مراتع که در قلمرو عشایر قرار داشته است، به رئیس منتخب ایل واگذار می‌شد. شیوه اداره عشایر و واگذاری مراتع و نیز مالیات دام و مرتع در زمان زندیه نیز همانند صفویه بوده است، به طوری که در زمان صفویه، ابدال خان، پس از پدرش صالح بیگ، ریاست ایل هفت لنگ را بر عهده گرفت. جانشینان حکومت زندیه، یعنی قاجاریه نیز بیش از حکومت‌های دیگر به عشایر متکی بودند. افراد قوای نظامی قاجاریه را بنیچه ولایت و غالباً بنیچه عشایر تشکیل می‌داد. در این دوره نیز اراضی و مراتع غالباً خالصه بود که برخی از آن به سران و خوانین ایلات با نام ایل خانی واگذار می‌شد. خوانین ایلات در این دوره، همواره از طبقه مالک محسوب می‌شدند. این مراتع در قبال تأمین سرباز به ایل خان‌ها واگذار می‌شد. علاوه بر این، می‌توان از مراتع قرق‌های سلطنتی و معدودی از مراتع حاشیه مزارع خرده‌مالکی نام برد که در قرق‌های سنتی نیز از بهره‌برداران مالیات گرفته می‌شد. اما در بهره‌برداری از مراتع حاشیه مزارع خرده‌مالکی، غالب بهره‌بردارانی که به کشت و زرع نیز می‌پرداختند، از پرداخت مالیات یا عوارض علف‌چری معاف بودند. عشایری که به کشت و زرع نمی‌پرداختند، در ازای استفاده از مراتع خرده‌مالکی مجبور به پرداخت حق‌التعلیف به خرده مالکان بودند.

نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در دوران ملی شدن مراتع و پس از اصلاحات ارضی در ایران

در این دوران همراه با تغییرات نظام زمین‌داری در ایران و در آستانه ورود به سرمایه‌داری ارضی و کشاورزی تجاری و مدرن، در بخش مراتع نیز تغییرات عمده‌ای رخ داد که تحت تأثیر دو رویداد مهم بود. اولین

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

موضوع، اجرای سیاست اسکان اجباری عشایر بود و دیگری قانون ثبت املاک و اسناد و ملی شدن مراتع و جنگل‌ها.

با اسکان اجباری عشایر، افراد بانفوذ، بخشی از مراتع عشایر را به اراضی مزروعی تبدیل کردند. اما با تدوین مصوبه‌های قانونی برای مالکیت، نظام بهره‌برداری از مرتع نیز دگرگون شد. پیامد قوانین ثبت اسناد و املاک تا سال ۱۳۴۰ برای مراتع عبارت بود از: ۱- خالصه بودن بخشی از مراتع کشور، ۲- تملک خصوصی بر قسمتی از مراتع و ثبت آن توسط مالکان و خرده‌مالکان، ۳- دریافت عوارض علف‌چر از بهره‌برداران مراتع توسط "اداره مالیه" مالکان و خرده‌مالکان خصوصی، ۴- تبدیل بخشی از مراتع کشور به اراضی مزروعی.

در نهایت، از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۵ دو شکل عمده تملک بر مراتع، یعنی مالکیت خصوصی (خرده مالکی و بزرگ مالکی) و مالکیت دولتی تشخیص داده شد. از این رو، این مراتع قرق‌ها یا شکارگاه‌های سلطنتی که در تملک دولت بود، مراتع مشاع حریم روستا، که بهره‌برداران متناسب با سهم زمین خود، از آن منتفع می‌شدند، مراتع بزرگ‌مالکی و خرده‌مالکی حریم روستا که به ثبت رسیده بود، مراتع میان‌بند یا ایل راه عشایر، مراتع خالصه که غالباً اداره مالیه به طور مستقیم یا غیرمستقیم اداره می‌کرد و مراتعی را شامل می‌شد که در اختیار سران بخشی از عشایر کشور بود.

تا اوایل اصلاحات ارضی (۱۳۴۱) حق مالکیت مرتع و حق‌المراتع نیز مانند مالکیت سایر انواع زمین و بهره‌مالکانه مرتع بسیار تغییر کرده است. اما حق‌المرتع نظیر روش مزارعه، مبتنی بر عرف و عادات بوده و در برخی موارد، روستاییان از حق انتفاع بدون پرداخت عوارض علف‌چر برخوردار بودند و در پاره‌ای از موارد نیز موظف به پرداخت حق علف‌چر بوده‌اند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹: ۲۰). اما با اصلاحات ارضی و ملی شدن مراتع و جنگل‌ها و تبدیل شدن جوامع روستایی به بخشی از نظام نوین سرمایه‌داری و کشاورزی تجاری به منظور تأمین نیازهای بازار و مصرف‌کننده محصولات و نهاده‌های صنعتی جامعه سرمایه‌داری اوضاع برای عشایر و مالکان مراتع وضعیت تغییر می‌کرد، به ویژه از آنجایی که دولت شبه‌مدرنیستی رضاخان با تخته‌قاپو کردن عشایر برای محدود کردن قدرت خان‌های عشایر تلاش می‌کرد و جامعه عشایری را جامعه‌ای شدیداً سنتی در نظر می‌گرفت که در تضاد با تمدن سرمایه‌داری و بورژوازی صنعتی بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲).

نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در دوران اصلاحات ارضی و پس از آن

همان‌طور که بیان شد، بخشی از مراتع کشور تا قبل از اصلاحات ارضی در تملک دولت (قرق یا خالصه)، قسمتی نیز در مالکیت بخش خصوصی (مشاع یا مفروز) و بخشی دیگر نیز مجهول‌المالک یا اموال عمومی محسوب می‌شد. پس از اصلاحات ارضی، به موجب ماده یک قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع،

مصوب ۱۳۴۱ هیأت وزیران، عرصه و اعیان همه جنگل‌ها و مراتع - حتی نواحی که افرادی قبل از تاریخ مذکور سند مالکیت آنها را دریافت کرده بودند - جزء اموال عمومی محسوب گردید و دولت مالک آن شد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹). سپس اولین ضابطه قانونی بعد از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در مهرماه ۱۳۴۲ به تصویب رسید و موضوع چرای دام در منابع طبیعی، بدون پرداخت حق علف‌چر، الزام بهره‌برداران از مرتع به دریافت پروانه چرا از سازمان جنگلبانی، ظرف مدت یکسال و موضوع دام مازاد بر ظرفیت مطرح شد (اسکندری، ۱۳۸۷: ۵۹). در عین ملی شدن مراتع و جنگل‌ها، کسانی نیز که از طریق مراجع ذیصلاح، سند ثبت شده داشتند، در مناطق شمال برای هر هکتار، ۱۰۰ ریال و در سایر مناطق ایران برای هر هکتار ۵۰ ریال پرداخت کردند و در مناطق مرتعی نیز ده برابر عایدی علف‌چر یکساله آن مبلغ، پرداختی به مالکان تعیین گردید و مراتع را ملی اعلام کردند.

در این دوره، در ظاهر با قانون مذکور، مراتع ملی اعلام شد و استفاده از آن منوط به اخذ پروانه چرا بود. علاوه بر این، همه پرداخت‌ها پیرامون استفاده از مراتع از جمله "حق علف‌چر" لغو گردید، اما بند ۲ ماده چهار قانون ملی شدن، راه را برای تصرف مراتع و تبدیل آن به اراضی مزروعی و نیز برای دریافت عوارض علف‌چر باز می‌گذاشت. در طول سه دهه قبل از انقلاب اسلامی، کمتر مراتعی به لحاظ بهره‌برداری، پروانه چرای دام داشته است، به طوری که می‌توان گفت از ۸۶۴ خانوار عشایر شاهسون، فقط سه خانوار پروانه چرا در قشلاق داشته‌اند (سازمان برنامه، ۱۳۶۹: ۳۳). در سال ۱۳۶۲ بعد از انقلاب اسلامی، با ابلاغ دستورالعمل جدید ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور، ممیزی مراتع وارد مرحله جدیدی گردید. این موضوع، سبب لغو و بی‌اعتباری همه پروانه‌های چرای گذشته شد. هدف از تدوین دستورالعمل مذکور، این بود که با به رسمیت شناختن دامداران خرده‌پا، دامداران موجود در مرتع شناسایی شوند و رضایت افراد تأمین گردد. وزارت کشاورزی، دستورالعمل دیگری در سال ۱۳۶۹ به استانها ابلاغ کرد که در آن بیشتر بر دیدگاه مرتع و مرتعداری تأکید می‌شد تا دام و بهره‌بردار. دستورالعمل مذکور به طور کامل به رفع مسائل و مشکلات پدید آمده به دلیل افزایش دام و دامدار و بی‌نظمی در بهره‌برداری، به دلیل فضای به وجود آمده نشد، ولی جهت‌گیری مناسبی پدید آمد که با ضوابط و شرایط بعدی تقویت می‌شد. به گونه‌ای که تا پایان سال ۱۳۸۶، بالغ بر ۷۰ میلیون هکتار از عرصه مراتع کشور، ممیزی شده و در این سطح، ۷۵۵ هزار خانوار بهره‌بردار با ۳۱ میلیون واحد دامی مجاز و ۶۰ میلیون واحد دامی موجود شناسایی شده‌اند. به عبارت دیگر، میانگین سهم دام مجاز هر خانوار مرتع‌دار ۴۲ واحد و سرانه مرتع آنها نیز ۹۰ هکتار است (اسکندری، ۱۳۸۷: ۶۳). در حال حاضر، به لحاظ شیوه و رویه مدیریت بهره‌برداری از مراتع، سه نظام متفاوت بهره‌برداری از مراتع در کشور وجود دارد:

- ۱) نظام بهره‌برداری‌های سنتی،
- ۲) نظام بهره‌برداری‌های طرح‌های مرتعداری،

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

۳) نظام بهره‌برداری‌های مبتنی بر تعاونی‌های مرتعداری (ازکیا، ۱۳۷۹: ۳۷).

* نظام بهره‌برداری سنتی

اکنون در سراسر کشور در چارچوب نظام بهره‌برداری سنتی از مراتع در مراتع حریم روستا، تلفیقی از وضعیت وجود سامانه‌های عرفی که نوعی ابزار غیررسمی و پذیرفته شده محسوب می‌شود و نبود سامان عرفی که به معنی امکان بهره‌برداری مشاعی و همگانی از همه اراضی مرتعی برای همه ساکنان روستا است، ملاحظه می‌شود. بهره‌برداری از مراتع محدود روستا به صورت مشاعی و به منظور چرای دام اصل ساختاری اساسی در نظام بهره‌برداری سنتی است (ازکیا، ۱۳۷۹: ۳۷).

نظام بهره‌برداری سنتی فاقد هر گونه مدیریت سازمان‌یافته است. تصمیم‌گیری و اقدام مشترک در آن انجام نمی‌شود و افراد و اقدام فردی، بنیان آن است. هر چند که بر حسب ضرورت‌های نظام دامداری، بهره‌برداران از مراتع به تشکیل گله و بهره‌برداری مشترک و جمعی هماهنگ از مراتع محدوده روستا می‌پردازند. در هر صورت، نظام بهره‌برداری سنتی استمرار و تداوم شیوه بهره‌برداری از مراتع در دوران ارباب رعیتی است، با این تفاوت که نقش مدیریتی ارباب و مباشر وی حذف شده است. اکنون در این نظام، حفاظت و احیای مراتع یا اصلاح آن مورد توجه نیست و بر عکس، تا جایی که ممکن است، هر کاری برای تجاوز به عرصه طبیعی انجام می‌شود. از این رو، در چارچوب این نظام بهره‌برداری از مراتع، منابع طبیعی و مرتعی به شدت در حال تخریب است (ازکیا، ۱۳۷۹: ۳۹).

* طرح‌های مرتعداری

در واقع، طرح‌های مرتعداری مجموعه فعالیت‌هایی هستند که به منظور اعمال مدیریت مراتع با هدف حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری صحیح در محدوده‌های معینی از مراتع تدوین می‌شود و پس از تصویب در اداره کل منابع طبیعی استان، از طریق دفاتر اسناد رسمی برای اجرا به مجریان واگذار می‌گردد (آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۰ قانون برنامه چهارم به نقل از اسکندری، ۱۳۸۷: ۲۶). در واقع، طرح‌های مرتعداری برای رفع نیازهای کارکردی عشایر و دامداران تدوین نشده است، بلکه به منظور حفاظت از مراتع، از طریق نظام‌های ترویجی و توسط کارشناسان فنی مراتع تهیه و تدوین شده و دامداران در جلسه‌های توجیهی، به داشتن طرح مرتعداری ترغیب و تشویق می‌شوند و مزایای بهره‌برداری جمعی در قالب طرح‌های مرتعداری برای آنها بیان می‌گردد. با توجه به اهداف حفاظتی طرح مرتعداری، مهمترین طرح‌های اصلاحی و احیایی که پیش‌بینی و اجرا می‌شوند، عبارت‌اند از: طرح ذخیره نزولات آسمانی توأم با بذرکاری؛ اجرای عملیات پیتینگ توأم با بذرکاری؛ بذرکاری و اجرای عملیات کنتور فارو؛ کپه‌کاری؛ بوته‌کاری و نهال‌کاری؛ کودپاشی؛ تبدیل دیم‌زارهای کم‌بازده

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

به مزارع کشت نباتات علوفه‌ای؛ منابع تأمین آب و پراکنش آن در مرتع؛ طرح‌های مدیریتی شامل فرق، مدیریت چرا، کنترل پروانه چرا، فصل‌بندی و زمان‌بندی چرا و نظایر آن (ازکیا و زاهدی، ۱۳۷۹: ۴۱؛ اسکندری، ۱۳۸۷: ۶۹). در سال ۱۳۷۹، پس از گذشت ۹ سال از آغاز مرحله جدید تهیه طرح مرتع‌داری با هدف مشخص شدن ضعف‌ها، قوت‌ها، چالش‌ها و تنگناهای موجود، طرح‌های تهیه شده مورد ارزیابی قرار گرفت. در ارزیابی‌های انجام شده، عدم هماهنگی بین مجریان طرح برای عقد قرارداد، مشکلات حقوقی، تعداد مجریان، اختلاف با مراتع هم‌جوار، عدم شناخت اهداف و عدم هماهنگی مجریان در زمان تهیه طرح و ضعف مالی، از دلایل عمده عدم واگذاری طرح‌های تصویب شده، عدم اجرای طرح‌های واگذاری شده و توقف برخی طرح‌های اجرا شده بیان شده است. همچنین ارزیابی‌ها (اسکندری، ۱۳۸۷) نشان داد که وضعیت ۱۰ درصد از طرح‌های مرتع‌داری اجرا شده، عالی بوده و ۴۶ درصد از آنها در وضعیت خوب، ۳۸ درصد در وضعیت متوسط و ۶ درصد نیز در وضعیت ضعیف قرار داشته‌اند. ۱۳/۵ درصد از طرح‌ها انفرادی و ۸۶/۵ درصد مشاعی و ۶۲/۵ درصد روستایی و ۳۷/۵ درصد نیز عشایری بوده است.

در جدول (۱)، وضعیت طرح‌های مرتع‌داری تا پایان سال ۱۳۸۶ نشان داده شده است.

جدول (۱): وضعیت طرح‌های مرتع‌داری تا پایان سال ۱۳۸۶

طرح‌های مرتع‌داری	فقره	مساحت (میلیون هکتار)	درصد از کل مراتع کشور
تهیه شده	۱۲۸۵۶	۳۰	۲۵/۵
تصویب شده	۱۰۱۴۲	۲۴	۲۰/۹
واگذار شده	۶۲۰۶	۱۵	۱۲/۶
در دست اجرا	۵۴۸۰	۱۴	۱۲

منبع: (اسکندری، ۱۳۸۷: ۶۷)

یکی از دلایل عدم موفقیت کامل و کافی بسیاری از طرح‌های مذکور این است که همه خانوارها نمی‌توانند در مدیریت طرح‌ها مشارکت کنند. در واقع، نقش گروه‌های خانوادگی و ساخت طایفه‌ای در طرح‌های مرتع‌داری، بسیار منفی و بارز است و یکی از عوامل اصلی موانع مشارکت جمعی در طرح‌های مرتع‌داری محسوب می‌شود.

تعاونی‌های مرتع‌داری عموماً حاصل تحول طرح‌های مرتع‌داری و تمهیدی در زمینه کاهش تنش‌های اجتماعی و تعارض‌ها هستند که اغلب در نتیجه چنددستگی‌های خویشاوندی و طایفه‌ای در بستر طرح‌های مرتع‌داری ایجاد شده‌اند. برای مثال، در استان کردستان تقریباً همه طرح‌های تعاونی مرتع‌داری موجود استان، حداقل یک تا حداکثر سه سال پس از ایجاد طرح‌های مرتع‌داری و با تبدیل وضعیت این طرح‌ها شکل گرفته‌اند (ازکیا و زاهدی، ۱۳۷۹: ۴۳).

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

این واقعیت که در جریان طرح‌های مرتع‌داری، سند مربوط به حقوق انتفاع و بهره‌برداری از مراتع در اختیار دامداران روستایی قرار داده می‌شود، انگیزه مهمی برای بروز مجادله‌های بین طایفه‌ای و بین خانوادگی در زمینه بهره‌برداری از مراتع پدید می‌آورد و به ایجاد تنش در سازوکارهایی می‌انجامد که برای تثبیت مالکیت و حقوق بهره‌برداری در محدوده‌های واگذار شده تدوین گردیده است. طرح‌های تعاونی مرتع‌داری، حاصل تعامل میان عوامل یادشده هستند. نحوه شکل‌گیری تعاونی‌های مرتع‌داری نیز مانند طرح‌های مرتع‌داری، وابسته به کوشش‌های ترویجی و اقدامات پیگیرانه کارشناسان ادارات منابع طبیعی بوده است. تشکیل و ثبت تعاونی‌های مذکور و اساسنامه آنها، کاملاً منطبق بر قواعد و ضوابط مندرج در قانون تعاون است. انتخابات تعاونی با شرکت همه اهالی و با حضور نمایندگان منابع طبیعی انجام می‌شود. در تعاونی‌های مرتع‌داری، مدیریت و نظارت بر مراتع از طریق هیأت مدیره منتخب شرکت و با هماهنگی با کل اعضای تعاونی انجام می‌شود و با توجه به حضور نماینده‌ای از هر طایفه و گروه خویشاوندی در کادر مدیریت شرکت، در اغلب موارد، این هماهنگی و مشارکت جمعی ناشی از آن، بدون تنش خاصی پدید می‌آید. در عین حال، در تعاونی‌های مرتع‌داری نیز نظیر طرح‌های مرتع‌داری هیچگونه تقسیم کار خاصی به چشم نمی‌خورد ولی در ارتباط با عملیات مربوط به حفاظت و احیاء و اصلاح مراتع اغلب اهداف طرح‌های مرتع‌داری و پروژه‌های انجام شده در تعاونی‌ها نیز دنبال می‌شود (ازکیا و زاهدی، ۱۳۷۹: ۳۶).

یافته‌های پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که تعاونی‌های مرتع‌داری مزایایی دارند. اولاً، تعاونی‌ها بیشتر مورد پذیرش طوایف و ایلات هستند. دوم اینکه، تعاونی‌ها مانع از تصرف عدوانی اراضی مرتعی و تبدیل آن به قرق‌گاه‌های افراد مشخص می‌شوند. سوم اینکه، تعاونی‌های مرتع‌داری، قابلیت اشتغال‌زایی دارند و هر ساله برای اموری مانند کپه‌کاری، کودپاشی و بذرپاشی می‌توانند تعداد زیادی از کارگران فصلی و اعضا را شاغل کنند. چهارم اینکه، از بروز تنش و اختلاف جلوگیری می‌کنند و میزان مشارکت مدرن را افزایش می‌دهند. پنجم اینکه، در جهت بسط عدالت اجتماعی در بهره‌برداری همگانی از منابع ثروت عمومی و طبیعی عمل می‌کنند (ازکیا، ۱۳۷۹: ۵۰).

نتیجه‌گیری

در تحلیل و بررسی نظام‌های بهره‌برداری از مراتع سعی شد با توجه به نقطه شروع از یک سطح کلان با تأکید بر نظریه‌های کلان شیوه‌های تولید در جامعه ایران و ترسیم سنخ‌شناسی مدل‌های نظری از صورت‌بندی اجتماعی جامعه ایران در دوره‌های مختلف، مدل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در گذر تاریخ ایران تدوین گردد. منطق نظری تحلیل ایجاب می‌کند که برای دستیابی به واقعیت خرد و درون سیستمی باید از یک

سطح کلان شروع کرد که در آن بتوان کل نظام را در ادوار مختلف تاریخی به لحاظ پیکربندی ترسیم کرد. گروهی معتقدند که ایران، نظامی فئودالی داشته و اقتصاد سیاسی‌اش نیز باید در پرتو فئودالیسم و قوانین عمومی مربوط به توسعه فئودالیسم و نیز تناقض‌هایی مورد بررسی قرار گیرد که موجب پیدایش سرمایه‌داری از دل فئودالیسم می‌شود (فشاهی^۱، ۱۹۷۹؛ پیگولوسکایا^۲، ۱۹۷۵؛ سوداگر^۳، ۱۹۷۹). بر اساس این دیدگاه، نظام‌های اجتماعی که مبتنی بر زیربنای اقتصادی مورد تحلیل قرار می‌گیرند، از مناسبات و روابط تولیدی یکسان برخوردار هستند و مراحل سیر تاریخی جوامع یک سیر خطی را طی می‌کند که ممکن است فقط به لحاظ زمانی، اندکی با یکدیگر تفاوت داشته باشند. در غیر این صورت، همه جوامع بالاخره از مراحل تکامل مشخصی می‌گذرند. در جوامع غیراروپایی، پس از فئودالیسم با اندکی تأخیر به سوی سرمایه‌داری و سوسیالیسم حرکت کردند. این دیدگاه همان دیدگاه خشک مارکسیستی ارتدوکس در تحلیل گذار جوامع محسوب می‌شود.

در دیدگاه مقابل نیز که بیشتر تحت تأثیر نظریه‌های مارکسیستی است، با تأکید بر دیدگاه مارکس درباره شیوه تولید آسیایی، تاریخ ایران در قالب این مدل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (حسینی^۴، ۱۹۸۳). صاحب‌نظران این دیدگاه که با پژوهش‌های ویثفولگ درباره شیوه تولید آسیایی و استبداد شرقی هماهنگ است، معتقدند که جوامع آسیایی سیر تکاملی خاصی را طی کرده‌اند که با فئودالیسم اروپایی متفاوت است. لیکن این دیدگاه نیز همه جوامع آسیایی را بدون در نظر گرفتن تنوعات فرهنگی، اقلیمی و جغرافیایی یکسان در نظر می‌گیرد. با وجود این، برخی از پژوهشگران نیز از تفاوت‌های ساختاری میان غرب فئودالی و ایران ماقبل سرمایه‌داری آگاهی داشته‌اند. آنها وجود شهرهای بزرگ، اقتصاد پولی، سکونت اربابان ایرانی و شاهان در شهر و فقدان اشرافیت موروثی و عدم تضاد شهر و روستا، فقدان نظام منوری و سرواژ، وجود نظام آبیاری متمرکز و تحت مدیریت دولت و سیطره دولت بر ساختارهای اجتماعی را تفاوت‌های اصلی میان فئودالیسم غربی و شیوه‌های تولیدی در ایران دانسته‌اند (اشرف، ۱۳۶۰ و ۱۳۸۷؛ لمبتون، ۱۳۶۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۲). برخی از پژوهشگران نیز با تأکید بر صورت‌بندی‌های خاص جامعه ایران، آن را نظام ملوک‌الطوایفی یا خان‌خانی (وئوقی، ۱۳۷۷؛ اشرف، بدون تاریخ) در نظر گرفته‌اند و برخی نیز بر آمیختگی شیوه‌های تولید (ازکیا، ۱۳۸۲) در کشورهای جهان سوم، از جمله ایران تأکید کرده‌اند. در هر صورت، با هر مدل نظری که به تبیین عینی پرداخته باشیم، واقعیت چیزی است که رخ می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، شیوه‌های تولید تا دوران مشروطیت با فراز و فرودهای مختلف، چندان تغییر نیافته است، تا اینکه در دوران مشروطه با لغو نظام تیول‌داری و ورود جامعه ایران به سرمایه‌داری جهانی، معادلات صورت‌بندی اجتماعی در ایران نیز با جایجایی ترکیب نیروهای مختلف تولید به دست گروه‌های

1 Fashahi
2 Pigulovskaya
3 Sodagar
4 Hosseiny

تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع

مختلف قدرت یافته، به طور بنیانی تغییر می‌کند. نظام‌های بهره‌برداری از مراتع نیز که عمدتاً تابع نظام‌های زمین‌داری بوده‌اند، تا این دوران، چندان تغییر نکرده‌اند و بیشتر از دوره اصلاحات ارضی و حکومت شبه‌مدرنیستی پهلوی، دچار تحول فراوانی می‌شوند. این تغییرات در حوزه مدیریت مراتع و ساختار اجتماعی ایلات و عشایر پدید می‌آید.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹). بررسی تطبیقی ابعاد اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استان کردستان. تهران: دانشگاه تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستای ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲). نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران، چالش‌ها و چاره‌ها. اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران. تهران: وزارت جهاد کشاورزی معاونت ترویج و نظام‌های بهره‌برداری.
- اسکندری، نگهدار (۱۳۸۷). سیاست‌های مرتع‌داری در ایران. تهران: سازمان مراتع جنگل‌ها و آبخیزداری دفتر فنی مرتع.
- اشرف، احمد (۱۳۶۰). نظام فئودالی، نظام آسیایی، پلی‌کپی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- اشرف، احمد (۱۳۶۱). مسایل ارضی و دهقانی. تهران: نشر آگه.
- اشرف، احمد و عزیزی، علی (۱۳۸۷). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران. ترجمه سهیلا ترابی. تهران: انتشارات نیلوفر.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: انتشارات پیام نور.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۲). نقد تحقیقات شرق‌شناسی و جامعه‌شناسی درباره رابطه اسلام و سرمایه‌داری. تهران: نامه علوم اجتماعی
- توکویل، آلکسی (۱۳۶۹). انقلاب فرانسه و رژیم‌های پیش از آن. ترجمه ثلاثی. تهران: انتشارات نقره.
- دون، استفان (۱۳۶۸). ظهور و سقوط شیوه تولید آسیایی. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۹). طرح مطالعات جامعه عشایری. تهران، معاونت امور مناطق مجلس.
- سوداگر، محمد (۲۵۳۶). نظام ارباب رعیتی در ایران. تهران: انتشارات پازند.
- طالب، مهدی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبداللهی، حمید (۱۳۸۵). ضرورت‌های ساختاری مدیریت سیاسی سرزمین و شکل‌بندی اجتماعی ایران عصر صفوی. مجله جامعه‌شناسی ایران در دوره هفتم، شماره ۳.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی ایران. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- کرایب، یان (۱۳۸۲). نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: نشر آگه.

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

- کیویستو، پیتر (۱۳۷۸). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- لمبتون، ا. ای. (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۲). *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- میرزاخانی، ابوالفضل (۱۳۸۲). *نحوه و آتیر حمایت‌های آموزشی و ترویجی بر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی*. تهران: مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران. وزارت جهاد کشاورزی. معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری.
- نعمانی، فرهاد (۱۳۵۸). *فتودالیسم در ایران*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- وارگا، ی. (۱۳۴۸). *وجه تولید آسیایی*. تهران: مجله جهان نو.
- وثوقی، منصور (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: انتشارات کیهان.
- هاشمی، فام (۱۳۵۵). *درباره شیوه تولید آسیایی*. مجله چیستا، ۵۴.

- Hosseiny, G. (1983). *Asiatic mode of Production in Iran, Paris, france*.
- Fashahi, M. (1979). *Les Causes Economiques et sociales Dele Revolution de 1900-1912 in Iran ou finde Production Asiatique etla Naisancedes Raports*. Copitalistes en Iran (1796-1921). Doctorel thesis, *Bourgeoise sorbone niversity*, Paris in, Amjad, the History of Iran Political Economic.
- Sodagar, M. (1979). *an Analysis of the Iranian land Reform*. Tehran: Pazand Research Institute.
- Pigulovskaya, N. (1975). *A history of Iran from Ancient time to the end of the Eighteenth century*. Tehran: Payam.
- Scott, B. (2009). *the concept of capitalism*. springer verlag Berlin Heildelborg.
- Seldon, A. (2004). *the virtues of capitalism*. Basil Blackwell Ltd.
- Mielants, E. (2007). *the origins of Capitalism and the Rise of the west*. Temple university press.
- Bruce, S. & Yearley, S. (2006). *the sage dictionary of sociology*. London: sags publications Ltd.
- Edgar, A. and Sedgwick, P. (2008). *Cultural theory the Key concepts*. London: Routledge.